

عربی ۳

پایه دوازدهم
رشته‌های
تجربی و ریاضی



مؤلف کتاب

خدیجه علی پور



مدرس ویدئویی

وهاب اصغری

واژگان

۳۳
۵/۵

درس اول
بسته ۱: معنی کلمات ۱۵۵
بسته ۲: کلمات مترادف ۱۵۶
بسته ۳: کلمات متضاد ۱۵۷
بسته ۴: جمع مكثر ۱۵۹
بسته ۵: انواع اسم ۱۱۱
درس دوم
بسته ۱: معنی کلمات ۱۱۳
بسته ۲: کلمات مترادف ۱۱۹
بسته ۳: کلمات متضاد ۱۲۰
بسته ۴: جمع مكثر ۱۲۲
بسته ۵: انواع اسم ۱۲۴
درس سوم
بسته ۱: معنی کلمات ۱۲۶
بسته ۲: کلمات مترادف ۱۳۲
بسته ۳: کلمات متضاد ۱۳۳
بسته ۴: جمع مكثر ۱۳۴
بسته ۵: انواع اسم ۱۳۶
درس چهارم
بسته ۱: معنی کلمات ۱۳۹
بسته ۲: کلمات مترادف ۱۴۵
بسته ۳: کلمات متضاد ۱۴۵
بسته ۴: جمع مكثر ۱۴۸
بسته ۵: انواع اسم ۱۴۹

ترجمه فعل

۱
۲

قسمت ۱: گذرهای آموزشی ۱۰
قسمت ۲: تمرین کتاب درسی ۲۵
قسمت ۳: سوالات امتحانی ترکیبی ۲۹

ترجمه و درک مطلب

۲
۹/۵

درس اول
بسته ۱: متن درس ۳۴
بسته ۲: إعلموا ۴۰
بسته ۳: تمرین ۴۴
درس دوم
بسته ۱: متن درس ۴۹
بسته ۲: إعلموا ۵۵
بسته ۳: تمرین ۵۸
درس سوم
بسته ۱: متن درس ۶۵
بسته ۲: إعلموا ۷۵
بسته ۳: تمرین ۷۸
درس چهارم
بسته ۱: متن درس ۸۳
بسته ۲: إعلموا ۹۰
بسته ۳: تمرین ۹۲

پاسخ‌نامه تشریحی

۱۸۸	بخش ۱: ترجمه فعل
۱۹۰	بخش ۲: ترجمه و درک مطلب
۲۰۵	بخش ۳: واژگان
۲۲۳	بخش ۴: قواعد
۲۲۸	بخش ۵: تحلیل صرفی و محل اعرابی

امتحان نهایی

۲۳۴	آزمون ۱: خرداد ماه ۱۴۰۳
۲۳۶	آزمون ۲: مرداد ماه ۱۴۰۳
۲۳۸	آزمون ۳: خرداد ماه ۱۴۰۴
۲۴۰	آزمون ۴: مرداد ماه ۱۴۰۴
۲۴۲	آزمون ۵: تیرماه ۱۴۰۵
۲۴۵	پاسخ‌نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۵

قواعد

درس اول	
۱۵۲	بسته ۱: حروف مشبّهة بالفعل
۱۵۵	بسته ۲: ((لا))ی نفی جنس
درس دوم	
۱۵۸	بسته ۱: حال (قید حالت)
۱۶۲	بسته ۲: نکات ترجمه
درس سوم	
۱۶۳	بسته ۱: ادات استثناء
۱۶۵	بسته ۲: نکات ترجمه
درس چهارم	
۱۶۶	بسته ۱: مفعول مطلق تأکیدی و نوعی
۱۶۸	بسته ۲: نکات ترجمه

تحلیل صرفی و اعراب

۱۷۰	قسمت ۱: تحلیل صرفی
۱۷۳	قسمت ۲: محل اعرابی
۱۷۷	قسمت ۳: سؤالات درس به درس



www.gajlive.ir





لینک ویدیوهای آفلاین کلاس سالیانه عربی ۱۲ گاج لایو

 جلسه ۱۱	■ مرور قواعد درس ۳ (دقیقه ۷ تا ۲۲) ■ حل تمرین مبحث استثناء (دقیقه ۲۲ تا ۶۰) ■ ترجمه و سؤالات متن درس ۳ (دقیقه ۶۰ تا پایان)	 جلسه ۱	■ آنالیز امتحان نهایی (دقیقه ۸ تا ۱۸) ■ آموزش حروف مشبّهة بالفعل (دقیقه ۱۸ تا ۷۲) ■ آموزش محل اعرابی (دقیقه ۷۲ تا پایان)
 جلسه ۱۲	■ حل و تحلیل تمرینات درس ۳ (دقیقه ۴ تا پایان)	 جلسه ۲	■ آموزش انواع «لا» و «لا»ی نفی جنس (دقیقه ۴ تا ۴۵) ■ خودآزمایی‌های درس ۱ (دقیقه ۴۵ تا ۶۵) ■ مرور محل اعرابی (دقیقه ۶۵ تا ۸۰)
 جلسه ۱۳	■ آموزش مفعول مطلق، حل تمرین و خودآزمایی درس ۴ (دقیقه ۷ تا ۶۷) ■ مرور قواعد و تمرین محل اعرابی (دقیقه ۶۸ تا ۷۵)	 جلسه ۳	■ مرور قواعد درس ۱ (دقیقه ۱۲ تا ۱۶) ■ مرور محل اعرابی (دقیقه ۱۸ تا ۳۲) ■ حل تمرین درس ۱ (دقیقه ۳۲ تا ۴۱) ■ آموزش انواع اسم و اسم‌های وزن‌دار (دقیقه ۴۱ تا پایان)
 جلسه ۱۴	■ مرور و تکمیل قواعد درس ۴ (دقیقه ۲ تا ۳۶) ■ تمرینات درس ۴ کتاب درسی (دقیقه ۳۶ تا ۸۶)	 جلسه ۴	■ کدگذاری سؤالات انواع اسم (دقیقه ۲ تا ۳۷) ■ ترجمه و سؤالات متن درس ۱ (دقیقه ۳۷ تا ۵۶) ■ تمرینات ۱ تا ۴ درس ۱ (دقیقه ۵۶ تا ۷۷) ■ آموزش ترجمه فعل (دقیقه ۷۸ تا پایان)
 جلسه ۱۵	■ ترجمه و سؤالات متن درس ۴ (دقیقه ۳ تا ۵۲) ■ حل و تحلیل تمرینات درس ۴ (دقیقه ۵۲ تا ۷۳) ■ تمرین محل اعرابی و ترجمه فعل (دقیقه ۷۳ تا پایان)	 جلسه ۵	■ مرور و تمرین ترجمه فعل (دقیقه ۴ تا ۲۲) ■ تمرینات ۵ تا انتهای درس ۱ (دقیقه ۲۲ تا ۵۹) ■ تدریس حال و خودآزمایی‌های درس ۲ (دقیقه ۶۰ تا پایان)
 جلسه ۱۶	■ حل و تحلیل نمونه سؤال مشابه نهایی از درس ۱ (دقیقه ۱۰ تا پایان)	 جلسه ۶	■ مرور و تکمیل حال و حل تمرین (دقیقه ۴ تا ۶۶) ■ تمرینات ۱ تا ۳ درس ۲ (دقیقه ۶۶ تا ۹۶)
 جلسه ۱۷	■ حل و تحلیل نمونه سؤال مشابه نهایی از درس ۲ (دقیقه ۸ تا پایان)	 جلسه ۷	■ تکمیل تمرینات درس ۲ (دقیقه ۵ تا ۷۰) ■ ترجمه و سؤالات متن درس ۲ (دقیقه ۷۱ تا ۸۱)
 جلسه ۱۸	■ حل و تحلیل نمونه سؤال مشابه نهایی از درس ۳ (دقیقه ۲ تا پایان)	 جلسه ۸	■ جمع‌بندی نیمسال اول (دقیقه ۱ تا پایان)
 جلسه ۱۹	■ حل و تحلیل نمونه سؤال مشابه نهایی از درس ۴ (دقیقه ۹ تا پایان)	 جلسه ۹	■ حل، تحلیل و مرور سؤالات قواعدی و تکنیک ترجمه نیمسال اول (دقیقه ۱ تا پایان)
		 جلسه ۱۰	■ آموزش «استثناء» و خودآزمایی‌های درس ۳ (دقیقه ۱۰ تا پایان)



لینک ویدیوهای آفلاین کلاس جمع بندی عربی ۱۲ (زودپز)

 جلسه ۵	■ انواع فعل (ترجمه و تشخیص) - بخش دوم	 جلسه ۱	■ جمع بندی قواعد درس ۱ تا ۴
 جلسه ۶	■ انتخاب فعل مناسب ■ تحلیل صرفی	 جلسه ۲	■ نقش شناسی و محل اعرابی
 جلسه ۷	■ مرور و حل تمرین	 جلسه ۳	■ انواع اسم
 جلسه ۸	■ جمع بندی شب امتحان	 جلسه ۴	■ انواع فعل (ترجمه و تشخیص) - بخش اول

اسکن کن QRCode هارو

دریافت ۸ دوره آزمون تألیفی درس به درس
مطابق با آخرین سبک امتحانات نهایی

لینک های دریافت برای پیام رسان های تلگرام، ایتا و بله در دسترس شماست



@ble.ir/gajlive



@t.me/gaj_ir



@eitaa.com/gajlive





۴۰ ساعت آموزش
ویدئویی



کتاب
الکترونیکی

فرمول ۲۰ هیبرید یک کتاب نیست
یک دوره آموزشی کامل است



به دنیای هیبرید گاج
کتاب اختصاصی ورود



www.gajlive.ir

بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
۲ نمره	۹/۵ نمره	۵/۵ نمره	۱/۲۵ نمره	۱/۷۵ نمره

ترجمه فعل



قسمت

کادرهای آموزشی

همان‌طور که می‌دانید در بخش بودجه‌بندی امتحانات نهایی عربی شما عزیزان، دو نمره به بخش ترجمه انواع فعل اختصاص یافته است؛ بنابراین باید با انواع آن و ترجمه هریک آشنا شوید. (علاوه بر این ۲ نمره مستقیم، نکات ترجمه فعل در سؤالات ترجمه آیات و عبارات نیز کاربرد زیادی دارد.) در این قسمت همه نکات مربوط به ترجمه فعل را در ۱۵ کادر همراه با سؤالات امتحانی آورده‌ایم.

ایستگاه سوال

ترجم الأفعال التالية:

۱. تَعَلَّمْ (یاد گرفت) ← تَعَلَّمْنَا درساً لَنْ نُنْسَاهُ. (خرداد ۱۴۰۳)
۲. عَلِمَ (دانست) ← عَلِمْتُ الْأَشْرَارَ. (دی ۱۴۰۲)
۳. جَلَسَ (نشست) ← هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۴. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَاتَبُوا. (دی خرداد ۹۹)
۵. قَطَعَ (برید) ← قَطَعَ يَدَهُ. (شهریور خرداد ۹۸)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنَا سَاعَدْتُ. (شهریور ۹۹)

إنتخب الصحيح:

۷. زُمَلَائِي فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا حَامِداً. (شهریور خرداد و خرداد ۱۴۰۲)
- ۱ حَضَرَ ○ ۲ حَضَرُوا ○ ۳ حَضِرْنَ
۸. شَبَابُنَا عَلِمَ إِيْرَانَ فِي الْمُبَارَاةِ. (خرداد ۱۴۰۲)
- ۱ رَفَعُوا ○ ۲ رَفَعَتْ ○ ۳ رَفَعَ
۹. الْفَائِزَةُ الْأُولَى فِي الْمُبَارَاةِ عَلِمَ إِيْرَانَ. (دی خرداد ۱۴۰۰)
- ۱ رَفَعَ ○ ۲ رَفَعَتْ ○ ۳ رَفَعَتْ
۱۰. نَحْنُ بَيْتاً جَمِيلاً مِنَ الْخَشَبِ. (خرداد ۹۸)
- ۱ صَنَعْنَا ○ ۲ صَنَعْتُ ○ ۳ صَنَعُوا
۱۱. الطَّالِبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ. (دی ۹۸)
- ۱ نَجَحَتْ ○ ۲ نَجَحَ ○ ۳ نَجَحْنَ
۱۲. إِنَّا نَحْنُ عَلَيْكَ الْفَرَانَ تَنْزِيلاً. (دی خرداد ۹۹)
- ۱ نَزَلْتُ ○ ۲ نَزَلْنَا ○ ۳ نَزَلُوا

پاسخ سؤالات

۱. آموختیم
۲. دانستی
۳. نشست
۴. نامه‌نگاری کردند
۵. برید
۶. کمک کردم
۷. گزینۀ «۲»: «زُمَلَاءُ» جمع مکسر و مذکر عاقل است و فعل «حَضَرُوا» مناسب جای خالی است.

ماضی ساده

تکرار ۱۲

فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت می‌کند.

كَتَبَ (نوشت)، رَجَعُوا (بازگشتند) و ...

برای تشخیص فعل ماضی و شناخت آسان آن بهتر است به شناسه‌هایی که در آخر فعل می‌آید توجه کنید تا با شناخت آن‌ها فعل را در صیغه مناسب خود، ترجمه کنید، بنابراین به جدول زیر خوب دقت کنید.

فعل ماضی	شناسه	ضمیر	ترجمه
جَلَسْتُ	تُ	أَنَا (من)	نشستم
جَلَسْتَ	تَ	أَنْتَ (تو)	نشستی
جَلَسَ	يَ	أَنْتَ (تو)	
جَلَسْنَا	نَا	نَحْنُ (ما)	نشستیم
جَلَسْتُمَا	تُمَا	أَنْتُمَا (شما)	نشستید
جَلَسْتُمْ	تُمْ	أَنْتُمْ (شما)	
جَلَسْنَ	نَّ	أَنْتُنَّ (شما)	
جَلَسَا	ا	هُمَا (آن‌ها)	نشستند
جَلَسُوا	ا	هُمَا (آن‌ها)	
جَلَسُوا	و	هُمْ (آن‌ها)	
جَلَسْنَ	نَ	هُنَّ (آن‌ها)	

برای ضمیر «هُوَ: او» فعل ماضی بدون شناسه (جَلَسَ: نشست) و برای ضمیر «هِيَ: او» حرف «تَ» نشانه مؤنث بودن فعل است. (جَلَسَتْ: نشست)

۱۳. اُرْسَلَ (فرستاد) ← ما اُرْسَلْنَا. (دی ۹۹)
۱۴. شَاهَدَ (دید) ← لَمْ يَشَاهِدْ شَيْئاً. (خرداد ۹۹)
۱۵. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هِيَ مَا اجْتَهَدَتْ. (خرداد ۹۹)
۱۶. عَلِمَ (دانست) ← لَمْ يَعْلَمُوا شَأْنَ وَالِدَيْهِمْ. (خرداد ۱۴۰۲)
۱۷. عَلَّمَ (یاد داد) ← مَا عَلَّمْتَنِي. (دی ۱۴۰۰)
۱۸. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لَمْ يُسَاعِدْ صَدِيقَهُ. (دی ۱۴۰۱)
۱۹. اَنْقَذَ (نجات داد) ← هُوَ لَمْ يُنْقِذْ شَخْصاً. (خرداد ۱۴۰۱)
۲۰. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ. (خرداد ۱۴۰۰)
۲۱. ضَرَبَ (زد) ← لَمْ يُضْرَبْ. (دی ۹۹)
۲۲. صَلَحَ (تعمیر کرد) ← هُوَ لَمْ يُصْلَحْ جَزَارَتَهُ. (شهریور ۱۴۰۱)
۲۳. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَمْ يَتَكَلَّمْ. (دی ۱۴۰۰)
۲۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ لَمْ يُسَاعِدُوا. (دی ۱۴۰۰)
۲۵. شَجَعَ (تشویق کرد) ← لَمْ يُشَجِّعْنِ. (خرداد ۱۴۰۰)
۲۶. اجْلَسَ (نشاند) ← هُمْ لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ. (دی ۹۸)
۲۷. اُرْسَلَ (فرستاد) ← لَمْ يُرْسِلُوا وَاجِبَاتِهِمْ. (خرداد ۱۴۰۱)
۲۸. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← مَا تَذَكَّرْتُ صَدِيقَكَ. (خرداد ۱۴۰۱)
۲۹. مَاشَاهَذْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا فَاطِمَةَ. (دی ۹۷)
- (۱) مشاهده می‌کردم
- (۲) مشاهده نکردم
- (۳) مشاهده نمی‌کنم
۳۰. غَفَرَ (آمرزید) ← لَمْ يُغْفَرْ. (آذر ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. یاد نکرد (ما + ذَكَرْتُ ← ماضی منفی)
۲. حاضر نشد، حاضر نشده است (لَمْ + يَحْضُرْ ← لَمْ يَحْضُرْ ماضی منفی / ماضی نقلی منفی)
۳. یاد نکردی، یاد نکرده‌ای (لَمْ + تَذَكَّرِينَ ← لَمْ تَذَكَّرِي ماضی منفی / ماضی نقلی منفی)
۴. به‌دست نیاوردیم، به‌دست نیاورده‌ایم (لَمْ + نَكْتَسِبْ ← لَمْ نَكْتَسِبْ ماضی منفی / ماضی نقلی منفی)
۵. بالا نرفت، بالا نرفته است (لَمْ + تَصْعَدَ ← لَمْ تَصْعَدْ ماضی منفی / ماضی نقلی منفی)
۶. نبریدم (ما + قَفَرْتُ ← مَا قَفَرْتُ ماضی منفی)
۷. اجازه ندادیم، اجازه نداده‌ایم (لَمْ + نُسَمِّحْ ← لَمْ نُسَمِّحْ ماضی منفی، ماضی نقلی منفی)
۸. تلاش نکرد، تلاش نکرده است (لَمْ + تَجْتَهِدْ ← لَمْ تَجْتَهِدْ ماضی منفی، ماضی نقلی منفی)
۹. فرانگرفت (لَمْ + يَتَعَلَّمْ ← لَمْ يَتَعَلَّمْ ماضی منفی، ماضی نقلی منفی)
۱۰. آموزش نخواست (ما + اسْتَعْفَرْتُ ← مَا اسْتَعْفَرْتُ ماضی منفی)
۱۱. یاد نکردید (ما + ذَكَّرْتُمْ ← مَا ذَكَّرْتُمْ ماضی منفی)
۱۲. به یاد نیاوردید (ما + تَذَكَّرْتُمْ ← مَا تَذَكَّرْتُمْ ماضی منفی)
۱۳. نفرستاد (ما + اُرْسَلْنَا ← مَا اُرْسَلْنَا ماضی منفی)
۱۴. مشاهده نکرد، مشاهده نکرده است (لَمْ + يَشَاهِدْ ← لَمْ يَشَاهِدْ ماضی منفی، ماضی نقلی منفی)

۸. گزینۀ «۳»: «سَبَاب» جمع مذکر عاقل است و فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد مذکر می‌آید.
۹. گزینۀ «۳»: با توجّه به «الفائِزَةُ» که مفرد مؤنث غایب است فعل «رَفَعَتْ» صحیح می‌باشد. (برندۀ اوّل پرچم ایران را در مسابقه بالا برد.)
۱۰. گزینۀ «۱»: با توجه به ضمیر «نَحْنُ» فعل در صیغۀ اول شخص جمع (متکلم مع‌الغیر) می‌آید. (ما خانه‌ای زیبا از چوب ساختیم.)
۱۱. گزینۀ «۱»: با توجّه به «الطّالِبَات» فعل در ابتدای عبارت مفرد مؤنث می‌آید. (دانش‌آموزان در امتحان موفق شدند.)
۱۲. گزینۀ «۲»: با توجّه به «نَحْنُ» فعل ماضی «نَزَلْنَا» صحیح است. (به درستی که ما قرآن را بر تو قطعاً نازل کردیم.)

ماضی منفی

۳۰ تکرار

● فعل ماضی با حرف «ما» منفی می‌شود:

➔ رَجَعَ (بازگشت) ← لَمْ يَرْجَعْ (بازنگشت)

ما + ماضی ← ماضی منفی

● فعل مضارع نیز با آمدن حرف «لَمْ» بر سر آن ماضی منفی ترجمه می‌شود.

➔ لَمْ + يَذْهَبْ ← لَمْ يَذْهَبْ (نرفت)

لَمْ + فعل مضارع ← ماضی منفی

➔ توجه داشته باشید که دو حرف «لَمْ» و «لَمْ» را با هم اشتباه نگیرید. «لَمْ» وقتی قبل از فعل مضارع بیاید معنای آن را به ماضی منفی تبدیل می‌کند، ولی «لَمْ» مخفّف «لَمَّا» به معنای «چرا، برای چه» کلمۀ پرسشی است.

لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؟	چرا می‌گویند آن چه را که انجام نمی‌دهید؟
أَلَمْ يَتْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ؟	آیا ندانست که خدا می‌بیند؟ فلسی منفی
لَمْ مَ عَمَلْتُمْ يَ وَاجِبَاتِكُمْ؟	چرا به تکالیفتان عمل نکردید؟

پستگاه سؤالات

ترجمه الأفعال التالية:

۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← جَدَّتِي مَا ذَكَرْتُ زُمَلَاءَ الْقَدَمَاءِ. (خرداد ۱۴۰۴)
۲. حَضَرَ (حاضر شد) ← لَمْ يَحْضُرْ طَالِبٌ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ. (داخل و خارج دی ۱۴۰۴)
۳. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لَمَّا تَذَكَّرِي اللَّهَ فِي أَيَّامِ حَيَاتِكَ؟ (داخل و خارج مرداد ۱۴۰۴)
۴. اِكْتَسَبَ (به‌دست آورد) ← لَمْ نَكْتَسِبِ الْبَاطِلَ. (خرداد ۱۴۰۴)
۵. صَعَدَ (بالا رفت) ← الْوَالِدَةُ لَمْ تَصْعَدْ الْجَبَلَ. (خرداد ۱۴۰۴)
۶. قَفَرَ (برید) ← مَا قَفَرْتُ مِنَ الطَّائِرَةِ. (دی ۱۴۰۳)
۷. سَمَحَ (اجازه داد) ← لَمْ نُسَمِّحْ لِلنَّاسِ أَنْ يَدْخُلُوا. (دی ۱۴۰۲)
۸. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هِيَ لَمْ تَجْتَهِدْ فِي دُرُوسِهَا. (خرداد ۱۴۰۲)
۹. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← الْكِسْلَانُ لَمْ يَتَعَلَّمِ الدَّرْسَ. (دی ۱۴۰۱)
۱۰. اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← هِيَ مَا اسْتَعْفَرَتْ. (شهریور ۹۹)
۱۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← أَنْتُمْ مَا ذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ. (شهریور ۱۴۰۰)
۱۲. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← مَا تَذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ. (دی ۱۴۰۰)

پرسشنامه سؤالات

ترجمه الأفعال التالية:

۱. قَيَّدَ (به بند آورد) ← قَدَّ قَيَّدُوا فُنُونَهُمْ بِالتَّكْرَارِ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۲. عَفَّرَ (آمرزید) ← قَدَّ عَفَّرَ اللَّهُ عَبْدَهُ. (آذر ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰)
۳. اسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← أَنْتُمْ قَدْ اسْتَغْفَرْتُمْ. (شهریور ۹۹)
۴. عَلَّمَ (یاد داد) ← قَدْ عَلَّمْتُ. (دی خارج ۹۹)
۵. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنْ مَرَضِهِ. (شهریور ۹۸)
۶. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← قَدْ تَذَكَّرْتُ. (خرداد خارج ۹۸)
۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← قَدْ أَرْسَلَ. (خرداد خارج ۹۹)
۸. امْتَنَعَ (خودداری کرد) ← قَدْ امْتَنَعْتُ. (شهریور خارج ۱۴۰۰)
۹. عَامَلَ (رفتار کرد) ← قَدْ عَامَلْتُ جَيِّدًا. (دی ۹۸)
۱۰. عَمِلَ (عمل کرد) ← قَدْ عَمِلْتُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۱. أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْخَبَرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. به بند آورده‌اند (قَدْ + قَيَّدُوا ← ماضی نقلی)
۲. آمرزیده است (قَدْ + عَفَّرَ ← ماضی نقلی)
۳. آمرزش خواسته‌اید (قَدْ + اسْتَغْفَرْتُمْ ← ماضی نقلی)
۴. یاد داده‌ای (قَدْ + عَلَّمْتُ ← ماضی نقلی)
۵. سخن گفته‌ایم (قَدْ + تَكَلَّمْنَا ← ماضی نقلی)
۶. به یاد آورده‌ای (قَدْ + تَذَكَّرْتُ ← ماضی نقلی)
۷. فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)
۸. خودداری کرده است (قَدْ + امْتَنَعْتُ ← ماضی نقلی)
۹. رفتار کرده‌ای (قَدْ + عَامَلْتُ ← ماضی نقلی)
۱۰. عمل کرده‌ام (قَدْ + عَمِلْتُ ← ماضی نقلی)
۱۱. فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)

ماضی استمراری

- به فعلی گفته می‌شود که در گذشته چند بار تکرار شده است.

می‌نوشتیم، می‌آمدند، می‌خوردید و ...

- فعل ماضی استمراری با اضافه کردن صیغه‌های ماضی فعل

«کان» به قبل از صیغه‌های فعل مضارع ساخته می‌شود.

کان + یَجْلِسُ ← کان یَجْلِسُ

کان + فعل مضارع ← ماضی استمراری

- فعل ماضی استمراری با فرمول «می + ماضی ساده» ترجمه می‌شود.

کان یَعْلَمُ ← می‌دانست

تکرار

۱۵. تلاش نکرد (ما + اجْتَهَدْتُ ← ما اجْتَهَدْتُ (ماضی منفی))
۱۶. ندانستند، ندانسته‌اند (لَمْ + يَعْلَمُونَ ← لَمْ يَعْلَمُوا (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۱۷. یاد ندادید (ما + عَلَّمْتُ ← ما عَلَّمْتُ (ماضی منفی))
۱۸. کمک نکرد، کمک نکرده است (لَمْ + يُسَاعِدُ ← لَمْ يُسَاعِدْ (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۱۹. نجات نداد، نجات نداده است (لَمْ + يَنْقِذُ ← لَمْ يَنْقِذْ (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۰. تلاش نکرد، تلاش نکرده است (لَمْ + يَجْتَهِدُ ← لَمْ يَجْتَهِدْ (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۱. نزدند، نزده‌اند (لَمْ + يَضْرِبْنَ ← لَمْ يَضْرِبْنَ (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۲. تعمیر نکرد، تعمیر نکرده است (لَمْ + يُصْلِحُ ← لَمْ يُصْلِحْ (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۳. سخن نگفتند، سخن نگفته‌اند (لَمْ + يَتَكَلَّمْنَ ← لَمْ يَتَكَلَّمْنَ (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۴. کمک نکردند، کمک نکرده‌اند (لَمْ + يُسَاعِدُونَ ← لَمْ يُسَاعِدُوا (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۵. تشویق نکردند، تشویق نکرده‌اند (لَمْ + يُشَجِّعْنَ ← لَمْ يُشَجِّعْنَ (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۶. نشاناند، نشاننده‌اند (لَمْ + يُجْلِسُونَ ← لَمْ يُجْلِسُوا (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۷. نفرستادند، نفرستاده‌اند (لَمْ + يُرْسِلُونَ ← لَمْ يُرْسِلُوا (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))
۲۸. به یاد نیاوردم (ما + تَذَكَّرْتُ ← ما تَذَكَّرْتُ (ماضی منفی))
۲۹. گزینۀ «۲»: مشاهده نکردم (ما + شَاهَدْتُ ← ما شَاهَدْتُ (ماضی منفی))
۳۰. نیامرزید، نیامرزیده است (لَمْ + يَغْفِرُ ← لَمْ يَغْفِرْ (ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

ماضی نقلی

- به فعلی گفته می‌شود که در زمان گذشته آغاز شده و اثر آن تا زمان حال باقی مانده است.

- برای ساخت فعل ماضی نقلی از فرمولی استفاده می‌کنیم که در آن کلمه «قَدْ» به ابتدای فعل ماضی اضافه می‌شود.

قَدْ + ذَهَبَ ← قَدْ ذَهَبَ

قَدْ + ماضی ← ماضی نقلی

- فعل ماضی نقلی با فرمول «ماضی ساده + ه + شناسه (آم، ای، است، ایم، اید، اند) ترجمه می‌شود.

قَدْ عَلِمَ ← دانسته است / قَدْ عَلِمْتُ ← دانسته‌ام

- فعل ماضی نقلی منفی با آمدن حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود.

(پس یادتون باشه ترکیب «لَمْ + فعل مضارع» می‌تونه هم ماضی منفی ترجمه بشه و هم ماضی نقلی منفی)

لَمْ يَعْلَمُوا ← ندانستند (ماضی منفی)

لَمْ يَعْلَمُوا ← ندانسته‌اند (ماضی نقلی منفی)

(شهریور خارج ۹۸)

(خرداد خارج ۹۹)

(دی ۹۹)

(خرداد خارج ۱۴۰۳)

(دی خارج ۱۴۰۴)

(خرداد خارج ۱۴۰۴)

(دی خارج ۱۴۰۵)

(خرداد ۱۴۰۶)

(شهریور ۱۴۰۶)

(شهریور ۹۹)

(خرداد خارج ۹۸)

۶. قَطَعَ (برید) ← كانوا يَقْطَعُونَ.

۷. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← كانوا يَجْتَهِدُونَ.

۸. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← كَانَ يَتَقَرَّبُ.

۹. عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُ أَعْلَمُ شَيْئاً.

۱۰. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← كانا يُجَالِسانِ الصَّالِحِينَ.

۱۱. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← كانوا يَتَكَلَّمُونَ بِسُرْعَةٍ.

۱۲. عَمِلَ (عمل کرد) ← كُنْتُ تَعْمَلُ.

۱۳. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الطالبُ كَانَ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ.

۱۴. صَلَحَ (تعمیر کرد) ← كانوا يُصَلِّحُونَ السَّيَّارَةَ.

۱۵. عاملٌ (رفتار کرد) ← كانوا يُعاملُونَ جَيِّداً.

۱۶. لَبِثَ ناصراً ابْتَعَدَ عَنِ الْكُفْلِ.

○ (۱) دوری کرده است

○ (۲) دوری می‌کرد

○ (۳) دوری خواهد کرد

۱۷. قَطَعَ (برید) ← كانا يَقْطَعَانِ الشَّجَرَةَ.

(دی خارج ۱۴۰۵)

پاسخ سوالات

۱. می‌دانستم (كُنْتُ + فعل مضارع «أَعْلَمُ» ← ماضی استمراری)
۲. رفتار می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يُعَامِلُ» ← ماضی استمراری)
۳. می‌نشست (كَانَ + فعل مضارع «يَجْلِسُ» ← ماضی استمراری)
۴. می‌دانستید (كُنْتُمْ + فعل مضارع «تَعْلَمُونَ» ← ماضی استمراری)
۵. با یکدیگر نامه‌نگاری می‌کردند
۶. (كانا + فعل مضارع «يُقَاتِلَانِ» ← ماضی استمراری)
۷. می‌بردند (كانوا + فعل مضارع «يَقْطَعُونَ» ← ماضی استمراری)
۸. تلاش می‌کردند (كانوا + فعل مضارع «يَجْتَهِدُونَ» ← ماضی استمراری)
۹. نزدیک می‌شد (كَانَ + فعل مضارع «يَتَقَرَّبُ» ← ماضی استمراری)
۱۰. می‌دانستم (كُنْتُ + فعل مضارع «أَعْلَمُ» ← ماضی استمراری)
۱۱. هم‌نشینی می‌کردند (كانا + فعل مضارع «يُجَالِسانِ» ← ماضی استمراری)
۱۲. سخن می‌گفتند (كانوا + فعل مضارع «يَتَكَلَّمُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۳. عمل می‌کردی (كُنْتُ + فعل مضارع «تَعْمَلُ» ← ماضی استمراری)
۱۴. خودداری می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يَمْتَنِعُ» ← ماضی استمراری)
۱۵. تعمیر می‌کردند

(كانوا + فعل مضارع «يُصَلِّحُونَ» ← ماضی استمراری)

۱۵. رفتار می‌کردند (كانوا + فعل مضارع «يُعَامِلُونَ» ← ماضی استمراری)

۱۶. گزینه «۲»: دوری می‌کرد

(لَبِثَ + فعل ماضی «ابْتَعَدَ» ← ماضی استمراری)

۱۷. می‌بردند (كانا + فعل مضارع «يُقَاتِلَانِ» ← ماضی استمراری)

• به شکل‌های مختلف فعل «كَانَ» به همراه فعل مضارع و ترجمه آن‌ها در جدول زیر دقت کنید.

شکل‌های «كَانَ»	فعل مضارع	ترجمه
۱. كانَ ۲. كانتَ	يَذْهَبُ تَذْهَبُ	می‌رفت
۳. كانا ۴. كانتا	يَذْهَبَانِ تَذْهَبَانِ	می‌رفتند
۵. كانوا ۶. كنَّ	يَذْهَبُونَ يَذْهَبْنَ	می‌رفتند
۷. كُنْتُ ۸. كُنْتِ	تَذْهَبُ تَذْهَبِينَ	می‌رفتی
۹. كُنْما	تَذْهَبَانِ	می‌رفتید
۱۰. كُنْتُمْ ۱۱. كُنْتُنَّ	تَذْهَبُونَ تَذْهَبْنَ	می‌رفتید
۱۲. كُنْتُ	أَذْهَبُ	می‌رفتم
۱۳. كُنَّا	نَذْهَبُ	می‌رفتیم

◀ فعل ماضی در ساختار «لَبِثَ + فعل ماضی» نیز، ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

◀ لَبِثَ مُحَمَّدٌ تَصَرَّ صَدِيقَهُ. ← کاش محمد دوستش را یاری می‌کرد.
(البته در ساختار «لَبِثَ + فعل ماضی» فعل ماضی، ماضی بعید هم ترجمه می‌شود که در اینجا توضیح داده‌ام پس هر دو تاش درسته.)

◀ فعل مضارع در ساختار «فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع» نیز به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

◀ شاهدتُ طفلاً يَلْعَبُ. ← کودکی را دیدم که بازی می‌کرد.

ماضی + نکره + مضارع

◀ شاهدتُ الطفلَ يَلْعَبُ. ← کودک را دیدم در حالی که بازی می‌کرد.

ماضی + معرفه + مضارع

پایگاه سوال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُ أَعْلَمُ هَذِهِ الْمَسْأَلَةَ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۲. عاملٌ (رفتار کرد) ← هُوَ كَانَ يُعاملُ التَّلَامِيذَ بِصَدَاقَةٍ. (خرداد ۱۴۰۳)
۳. جَلَسَ (نشست) ← كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ. (خرداد ۱۴۰۵)
۴. عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (خرداد خارج ۱۴۰۵)
۵. كَاتِبٌ (نامه‌نگاری کرد) ← كانا يُكَاتِبَانِ. (دی خارج ۹۹)

استفاده سوال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← كُنْتُ قَدْ تَكَلَّمْتُ حَوْلَ الرِّيَاضَةِ. (داخل و خارج دی ۱۴۰۴)
۲. أَخْرَجَ (خارج کرد) ← كُنْتُمْ قَدْ أَخْرَجْتُمْ أَعْدَائَكُمْ. (داخل و خارج مرداد ۱۴۰۴)
۳. عَلِمَ (دانست) ← كَانَا قَدْ عَلِمَا قِيَمَةَ الْعِلْمِ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۴. نَظَرَ (نگاه کرد) ← كُنْتُ قَدْ نَظَرْتُ إِلَى عَاقِبَةِ أَمْرِي. (خرداد ۱۴۰۳)
۵. اسْتَمَعَ (گوش داد) ← الْوَلَدُ كَانَ قَدْ اسْتَمَعَ نَصِيحَةَ أَبِيهِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۴)
۶. كَتَبَ (نوشت) ← التَّلْمِيذَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ. (دی ۱۴۰۱)
۷. امْتَنَعَ (خودداری کرد) ← كَانَ قَدْ امْتَنَعَ. (آذر ۱۴۰۱ - خرداد ۹۹)
۸. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← هُوَ كَانَ قَدْ تَقَاعَدَ. (شهریور ۹۹)
۹. رَخَّصَ (ارزان شد) ← أَشْعَارُ الْبُضَائِعِ كَانَتْ قَدْ رَخَّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِيفِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۰. جَعَلَ (قرار داد) ← كُنَّ قَدْ جَعَلْنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۱. تَكَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَيْتَهُمْ تَكَاتَبُوا. (شهریور خارج ۹۸)

پاسخ سوالات

۱. سخن گفته بودم (كُنْتُ + قَدْ + فعل ماضی (تَكَلَّمْتُ) ← ماضی بعید)
۲. خارج کرده بودید (كُنْتُمْ + قَدْ + فعل ماضی (أَخْرَجْتُمْ) ← ماضی بعید)
۳. دانسته بودند (كَانَا + قَدْ + فعل ماضی (عَلِمَا) ← ماضی بعید)
۴. نگاه کرده بودم (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (نَظَرْتُ) ← ماضی بعید)
۵. گوش فرا داده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اسْتَمَعَ) ← ماضی بعید)
۶. نوشته بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْنَ) ← ماضی بعید)
۷. خودداری کرده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (امْتَنَعَ) ← ماضی بعید)
۸. بازنشسته شده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (تَقَاعَدَ) ← ماضی بعید)
۹. ارزان شده بود (كَانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (رَخَّصَتْ) ← ماضی بعید)
۱۰. قرار داده بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (جَعَلْنَ) ← ماضی بعید)
۱۱. نامه‌نگاری کرده بودند، نامه‌نگاری می‌کردند (لَيْتَ + فعل ماضی (تَكَاتَبُوا) ← ماضی بعید / ماضی استمراری)

مضارع ساده

- فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت می‌کند.
- يَنْصُرُ (یاری می‌کند)، تَرَجَعَانِ (باز می‌گردند، باز می‌گردید)، يُدَافِعُونَ (دفاع می‌کنند) و ...
- در جدول زیر به شناسه‌های فعل مضارع و ضمایر هر یک به همراه ترجمه فعل دقت کنید.

فعل مضارع	شناسه	ضمیر	ترجمه
أَجْلِسْ	ندارد	أَنَا (من)	می‌نشینم
تَجْلِسْ		أَنْتَ (تو)	می‌نشینی
تُجْلِسُ	يَنْ	أَنْتَ (تو)	
يَجْلِسْ	ندارد	هُوَ (او)	می‌نشیند
تُجْلِسُ		هِيَ (او)	
يُجْلِسُ	ندارد	تَخْنِ (ما)	می‌نشینیم

ماضی بعید

- به فعلی گفته می‌شود که در گذشته دور انجام شده است.
- نوشته بودم، خوانده بودید، کمک کرده بودند و ...
- فعل ماضی بعید با آمدن صیغه‌های ماضی «كَانَ» + «قَدْ» قبل از صیغه‌های فعل ماضی ساخته می‌شود.
- كَانَ + قَدْ + جَلَسَ ← كَانَ قَدْ جَلَسَ
- آوردن «قَدْ» اختیاری است؛ بنابراین گاهی این فعل بدون «قَدْ» نیز می‌آید.

كَانَ + [قَدْ] + فعل ماضی ← ماضی بعید

- فعل ماضی بعید با فرمول «ماضی ساده + ه + بود + شناسه» ترجمه می‌شود.
- كَانَ قَدْ كَتَبَ نوشته بود.
- كُنَّا قَدْ كَتَبْنَا نوشته بودیم.
- به شکل‌های مختلف فعل ماضی بعید و ترجمه هر یک در جدول بعد دقت کنید.

ترجمه	ماضی بعید
رفته بود	۱. كَانَ (قَدْ) ذَهَبَ.
	۲. كَانَتْ (قَدْ) ذَهَبَتْ
	۳. كَانَا (قَدْ) ذَهَبَا
رفته بودند	۴. كَانَا (قَدْ) ذَهَبَا
	۵. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا
	۶. كُنَّ (قَدْ) ذَهَبْنَ
رفته بودی	۷. كُنْتَ (قَدْ) ذَهَبْتَ
	۸. كُنْتِ (قَدْ) ذَهَبْتِ
	۹. كُنْتُمَا (قَدْ) ذَهَبْتُمَا
رفته بودید	۱۰. كُنْتُمْ (قَدْ) ذَهَبْتُمْ
	۱۱. كُنْتُنَّ (قَدْ) ذَهَبْتُنَّ
	۱۲. كُنْتُ (قَدْ) ذَهَبْتُ
رفته بودیم	۱۳. كُنَّا (قَدْ) ذَهَبْنَا

- فعل ماضی در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» را نیز می‌توان به صورت ماضی بعید ترجمه کرد. (تو کادر ۴ گفتیم هم ماضی استمراری و هم ماضی بعید، هر دو تاش درسته.)
- لَيْتَ التَّلْمِيذَاتُ لَيَتَعَدَّعْنَ الْكَسَلَ ← کاش دانش‌آموزان تنبلی دوری کرده بود. (دوری می‌کرد.)

لَيْتَ + ماضی ← ماضی بعید ماضی استمراری

- فعل ماضی در ساختار «فعل ماضی + فعل ماضی» نیز به صورت ماضی بعید (یا ماضی ساده) ترجمه می‌شود.
- شَاهَدْتُ صَدِيقًا سَاعَدَنِي فِي الدَّرُوسِ ← دوستی را دیدم که به من ماضی ماضی
- در درس‌ها کمک کرده بود. (کمک کرد) ماضی بعید

(شهریور ۹۸)

۱۸. الله الذنوب إلا الشك بالله.

○ (۱) تَغْفِرُ ○ (۲) يَغْفِرُ ○ (۳) تَغْفُرُ

(شهریور ۹۸)

۱۹. العمال المجتهدون في المصنع.

○ (۱) يَسْتَعْمِلُونَ ○ (۲) تَسْتَعْمِلُونَ ○ (۳) يَسْتَعْلِنَ

(دی ۹۸)

۲۰. كل شيء إذا كثرت إلا الأذنب.

○ (۱) تَرْخُصُ ○ (۲) يَرْخُصُ ○ (۳) تَرْخُصُ

پاسخ سوالات

۱. می‌بَرَد (مضارع اخباری)

۲. سؤال می‌کنید (مضارع اخباری)

۳. می‌فرستند (مضارع اخباری)

۴. بازنشسته می‌شویم (مضارع اخباری)

۵. مشاهده می‌کنم (مضارع اخباری)

۶. نزدیک می‌شوند (مضارع اخباری)

۷. یاری می‌جوییم (مضارع اخباری)

۸. می‌آفرینند (مضارع اخباری)

۹. کمک می‌کنی (مضارع اخباری)

۱۰. کمک می‌کنند (مضارع اخباری)

۱۱. به یاد می‌آورم (مضارع اخباری)

۱۲. هم‌نشینی می‌کنند (مضارع اخباری)

۱۳. گزینه «۳»: يَطْوِفُ «الحاج» مفرد مذکر است و جمله بر «غایب» دلالت دارد، بنابراین فعل در صیغه مفرد مذکر غایب مناسب جای خالی

است. ترجمه عبارت «حج گزار هفت بار دور خانه خدا طواف می‌کند».

۱۴. گزینه «۱»: تَوَكَّدَ (با توجه به «الآثار» که بر جمع مکسر غیرعقل دلالت دارد، فعل در صیغه مفرد مؤنث می‌آید). ترجمه عبارت «آثار

قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کنند».

۱۵. گزینه «۲»: يَجْمَعُونَ «الفلاحون» جمع مذکر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید. «ترجمه عبارت: کشاورزان محصولات را در

مزرعه‌ها جمع می‌کنند».

۱۶. گزینه «۱»: يُسَجِّعُونَ «المُتَفَرِّجُونَ» جمع مذکر است؛ پس فعل نیز جمع مذکر می‌آید. «ترجمه عبارت: تماشاگران تیم برنده‌شان را

با شادی تشویق می‌کنند».

۱۷. گزینه «۲»: يَعْتَمِدُونَ (با توجه به «الأصدقاء» که جمع مذکر است و نیز ضمیر «هم» فعل «يَعْتَمِدُونَ» مناسب جای خالی است) «ترجمه

عبارت: دوستان بر خودشان تکیه می‌کنند».

۱۸. گزینه «۲»: يَغْفِرُ (با توجه به کلمه «الله» فعل يَغْفِرُ در صیغه مفرد مذکر مناسب جای خالی است). ترجمه عبارت «خداوند به جز

شرک به خدا، گناهان را می‌بخشد».

۱۹. گزینه «۱»: يَسْتَعْمِلُونَ (با توجه به «العمال» که جمع مکسر است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَسْتَعْمِلُونَ» مناسب جای

خالی است). ترجمه عبارت «کارگران تلاشگر در کارخانه کار می‌کنند».

۲۰. گزینه «۲»: يَرْخُصُ «(كل شيء)» بر مفرد مذکر دلالت دارد. بنابراین فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است. ترجمه عبارت «هر

چیزی ارزان می‌شود هرگاه زیاد شود، به جز ادب».

فعل مضارع	شناسه	ضمیر	ترجمه
يَخْلِيَانِ	ان	أَنْتُمَا (شما)	می‌نشینید
يَخْلِسُونَ	ون	أَنْتُمْ (شما)	
يَخْلِسُنَّ	ن	أَنْتُنَّ (شما)	
يَخْلِيَانِ	ان	هُمَا (آن دو)	می‌نشینند
يَخْلِسُونَ	ون	هُمْ (ایشان)	
يَخْلِسُنَّ	ن	هُنَّ (ایشان)	

همان‌طور که در جدول ملاحظه کردید فعل مضارع ساده به صورت مضارع

اخباری ترجمه می‌شود؛ «می + بن فعل + شناسه» مضارع اخباری

أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ أَبَا دَر كَارخانه کار می‌کنید؟

مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. قَفَرَ (برید) «البومة و الحفّاش يَفْقِران في الليل».

۲. سأل (سؤال کرد) «أَنْتُمْ لِمَ تَسْأَلُونِي؟»

۳. أَرْسَلَ (فرستاد) «هُمْ يُرْسِلُونَ الخبر».

۴. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) «نَحْنُ نَتَقَاعَدُ».

۵. شاهد (مشاهده کرد) «أشاهد».

۶. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) «هُمْ يَتَقَرَّبُونَ إلى الخيرات».

۷. اِسْتَعَانَ (یاری جست) «... إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

۸. خَلَقَ (آفرید) «يَخْلُقُونَ».

۹. سَاعَدَ (کمک کن) «نُسَاعِدُكَ أَمَلَك في الطبخ».

۱۰. سَاعَدَ (کمک کرد) «هُمْ يُسَاعِدُونَ الفقراء».

۱۱. تَدَكَّرَ (به یاد آورد) «أَنَا أَتَدَكَّرُ خيام الخجاج».

۱۲. جالس (هم‌نشینی کرد) «هُنَّ يُجَالِسْنَ المؤمنات».

انتخب الفعل المناسب للفراغ:

۱۳. الحاج تسع مرات حول بيت الله.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

○ (۱) تَطْوِفُ ○ (۲) يَطْوِفُونَ ○ (۳) يَطْوِفُ

(خرداد ۱۴۰۲)

۱۴. الآثار القديمة اهتمام الإنسان بالدين.

○ (۱) تَوَكَّدَ ○ (۲) يُوَكِّدُونَ ○ (۳) يُوَكِّدُ

(دی خارج ۱۴۰۰)

۱۵. الفلاحون المحاصيل في المزارع.

○ (۱) يَجْمَعُ ○ (۲) يَجْمَعُونَ ○ (۳) يَجْمَعُنَّ

(دی ۱۴۰۰)

۱۶. المُتَفَرِّجُونَ فريقهم الفائز فرحين.

○ (۱) يُسَجِّعُونَ ○ (۲) يُسَجِّعُنَّ ○ (۳) يُسَجِّعُ

(خرداد ۹۸)

۱۷. الأصدقاء على أنفسهم.

○ (۱) تَعْتَمِدُونَ ○ (۲) يَعْتَمِدُونَ ○ (۳) يَعْتَمِدُنَّ



مضارع منفی

● فعل مضارع با حرف «لا» و گاهی با حرف «ما» منفی می شود.

لا + فعل مضارع ← مضارع منفی

با آوردن «لا» ی نفی بر سر فعل مضارع، آخر فعل هیچ تغییری نمی کند.

لا + يَذْهَبُ ← لا يَذْهَبُ (نمی رود)

لا + يَذْهَبَانِ ← لا يَذْهَبَانِ (نمی روند)

● فعل مضارع منفی به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می شود.

لَمْ لَا تَكْتُبِينَ دَرْسَكَ؟ ← چرا درست را نمی نویسی؟

مضارع منفی

لا أَتَذَكِّرُكَ يَا زَمِيلِي. ← تو را به یاد نمی آورم ای هم کلاسی ام.

مضارع منفی

ایستگاه سوال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. اِكْتَسَبَ (به دست آورد) ← الزمیلان لا یکتسبان الشرّ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۲. ساعَدَ (کمک کرد) ← لَمْ لا تُسَاعِدِیْنَ أُمّک؟ (خرداد ۱۴۰۴)
۳. عَامَلَ (رفتار کرد) ← لَمْ لا تُعَامِلُوْنَ کَالِإِخْوَانِ؟ (خرداد ۱۴۰۳)
۴. عَلَّمَ (دانست) ← لا تُعَلِّمُوْنَ الدُّرُوسَ الْمَاضِیَّةَ. (دی ۱۴۰۲)
۵. هُم لا یَسْتَغْفِرُونَ. (شهریور ۹۹)
۶. عَلَّمَ (یاد داد) ← لا یُعَلِّمُونَ. (دی خارج ۹۹)
۷. قَطَعَ (برید) ← لا نَقْطَعُ. (شهریور ۹۸)
۸. أَجْلَسَ (نشانید) ← لِمَاذَا لا تُجْلِسِیْنَ الْأَطْفَالَ؟ (دی ۹۸)
۹. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لا یَمْتَنِعُونَ. (خرداد ۹۹)
۱۰. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدَّتِي لَا تَتَذَكَّرُ شَيْئًا. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۱. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لا أَتَذَكِّرُكَ يَا زَمِيلِي. (خرداد خارج ۹۸)
۱۲. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لا یَتَكَلَّمُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۳. عَبَدَ (عبادت کرد) ← لا یُعْبَدُ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۴. عَفَرَ (آمرزید) ← لا یَغْفِرُونَ. (دی خارج ۹۸)
۱۵. شَجَعَ (تشویق کرد) ← لا تُشَجِّعِیْنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۶. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← أَنْتَ لَا تَتَقَاعَدُ. (شهریور ۹۹)

پاسخ سوالات

۱. به دست نمی آورد (لا + فعل مضارع (يَكْتُبِیْنَ) ← مضارع منفی)
۲. کمک نمی کنی (لا + فعل مضارع (تُسَاعِدِیْنَ) ← مضارع منفی)
۳. رفتار نمی کنی (لا + فعل مضارع (تُعَامِلُونَ) ← مضارع منفی)
۴. نمی دانید (لا + فعل مضارع (تُعَلِّمُونَ) ← مضارع منفی)
۵. آمرزش نمی خواهند (لا + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
۶. یاد نمی دهند (لا + فعل مضارع (يُعَلِّمُونَ) ← مضارع منفی)
۷. نمی بریم (لا + فعل مضارع (نَقْطَعُ) ← مضارع منفی)
۸. نمی نشانی (لا + فعل مضارع (تُجْلِسِیْنَ) ← مضارع منفی)
۹. خودداری نمی کنند (لا + فعل مضارع (يَمْتَنِعُونَ) ← مضارع منفی)

۱۰. به یاد نمی آورد (لا + فعل مضارع (تَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی)
۱۱. تو را به یاد نمی آورم (لا + فعل مضارع (أَتَذَكِّرُ) ← مضارع منفی)
۱۲. سخن نمی گوید (لا + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ) ← مضارع منفی)
۱۳. عبادت نمی کند (لا + فعل مضارع (يُعْبَدُ) ← مضارع منفی)
۱۴. نمی آمرزند (لا + فعل مضارع (يَغْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
۱۵. تشویق نمی کنی (لا + فعل مضارع (تُشَجِّعِیْنَ) ← مضارع منفی)
۱۶. بازنشسته نمی شوی (لا + فعل مضارع (تَتَقَاعَدُ) ← مضارع منفی)

نهی

● فعلی است که دستور به انجام ندادن کاری می دهد.

نپرس، نگویید، نروید و ...

● برای ساخت فعل نهی حرف «لا» را بر سرش صیغه مخاطب می آوریم و آخر فعل را تغییر می دهیم. یعنی ضمه آخر فعل تبدیل به ساکن می شود و اگر آخر فعل «ن» داشت آن را حذف می کنیم به جز «ن» جمع مؤنث.

لا + تَسْأَلُ نَهْيَ ← لا تَسْأَلُ (نپرس) (ساکن کردن آخر فعل)

لا + تَسْأَلَانِ نَهْيَ ← لا تَسْأَلَا (نپرسید) (حذف نون)

لا + تَسْأَلْنَ نَهْيَ ← لا تَسْأَلْنَ (نپرسید) (نون حذف نمیشه)

لا + فعل مضارع (با تغییر) ← نهی

● فعل نهی را به صورت امر متفی ترجمه می کنیم.

لا تَخْرُجِي مِنَ الْبَيْتِ. ← از خانه بیرون نرو.

فعل نهی

لا تَتَكَلَّمُوا فِي الْمَكْتَبَةِ. ← در کتابخانه سخن نگویید.

فعل نهی

ایستگاه سوال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. اِكْتَسَبَ (به دست آورد) ← لا تَكْتُبِیْ العداوةَ بَيْنَ النَّاسِ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ← إلهي لا تُعَامِلْ عِبَادَكَ بِالْعَدْلِ. (خرداد ۱۴۰۳)
۳. سَمَحَ (اجازه داد) ← لا تَسْمَحِ الخُرُوجَ مِنَ الصَّفِّ. (دی ۱۴۰۲)
۴. مَنَعَ (منع کرد) ← لا تَمْنَعُونَا عَنِ الخُرُوجِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۵. جَالَسَ (هم نشینی کرد) ← يا رِجَالُ لا تُجَالِسُوا الْأَشْرَارَ. (خرداد ۹۸)
۶. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لا تَمْتَنِعُوا. (خرداد ۹۹)
۷. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لا تَذَكَّرُ. (دی ۹۷)
۸. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لا تُرْسِلُوا. (خرداد خارج ۹۹)
۹. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← لا تَتَقَرَّبُوا. (دی ۹۹)
۱۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنْتَ لا تُسَاعِدِي. (شهریور ۹۹)
۱۱. اِنْتَقَلَ (جابه جا شد) ← رَجَاءٌ لا تَنْتَقِلُوا. (شهریور خارج ۹۸)
۱۲. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لا تَتَكَلَّمُوا فِي الصَّفِّ. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۳. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لا تُرْسِلْ رسالةً. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۴. اِسْتَعَانَ (یاری جست) ← لا تَسْتَعِينُوا إِلَّا بِاللَّهِ. (شهریور ۱۴۰۰)

پایگاه سوال



ترجمه الأفعال التالية:

۱. لعب (بازی کرد) ← لن تلعب صديقنا في الملعب. (داخل و خارج میداد ۱۴۰۴)
۲. ذكر (یاد کرد) ← أنا لن أذكر عيوب الآخرين. (خرداد ۱۴۰۴)
۳. لعب (بازی کرد) ← سيلعب الفريقان. (دی ۱۴۰۳)
۴. ساعد (کمک کرد) ← سأساعد صديقي في أداء واجباته. (دی ۱۴۰۱)
۵. جلس (نشست) ← هم سوف يجلسون. (خرداد ۱۴۰۰)
۶. جلس (هم‌نشینی کرد) ← هو لن يجالس الأعداء. (خرداد ۹۸)
۷. تذكر (به یاد آورد) ← سوف يتذكرن. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۸. ساعد (کمک کرد) ← لن أساعدهم في الذنب. (دی خارج ۱۴۰۰)
۹. انتقل (جابه‌جا شد) ← سينقلون. (شهریور خارج ۹۸)
۱۰. تقاعد (بازنشسته شد) ← انتم ستقاعدون. (شهریور ۹۹)
۱۱. امتنع (خودداری کرد) ← لن نمتنع. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۲. تذكر (به یاد آورد) ← سنذكر الدرس. (دی ۱۴۰۰)
۱۳. اجتهد (تلاش کرد) ← هم لن يجتهدوا. (خرداد ۹۹)
۱۴. تذكر (به یاد آوردن) ← سينذركم ذكريات. (خرداد خارج ۱۴۰۴)
۱۵. تذكر (به یاد آورد) ← الخجاج سينذركم ذكرياتهم. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۶. تذكر (به یاد آورد) ← جدي لن يتذكرك. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۷. رخص (ارزان شد) ← الألب لن يرخص إذا كثر. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۸. أرسل (فرستاد) ← لن نرسلوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۹. اجتهد (تلاش کرد) ← لن يجتهد. (خرداد خارج ۹۹)
۲۰. عبد (عبادت کرد) ← سينجدون. (خرداد خارج ۹۹)
۲۱. ساعد (کمک کرد) ← هم لن يساعدوا. (شهریور ۹۹)
۲۲. كتبت (نامه‌نگاری کرد) ← لن يكتتب. (شهریور خارج ۹۸)
۲۳. انتقل (جابه‌جا شد) ← لن ينقل. (دی خارج ۹۸)
۲۴. تقرب (نزدیک شد) ← لن تقترب إلى الذنب. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۵. نجح (موفق شد) ← سوف ينجح. (شهریور ۹۸)
۲۶. شاهد (مشاهده کرد) ← لن يشاهد. (شهریور ۹۸)
۲۷. علم (یاد داد) ← لن يعلم. (دی خارج ۹۹)
۲۸. تقرب (نزدیک شد) ← سينتقرب إلى الله. (خرداد ۱۴۰۱)

پایگاه سوال



۱. بازی نخواهند کرد (لن + فعل مضارع (تلعب) ← لن تلعب (مستقبل منفی)
۲. یاد نخواهم کرد (لن + فعل مضارع (أذكر) ← لن أذكر (مستقبل منفی)
۳. بازی خواهند کرد (س + فعل مضارع (تلعب) ← س تلعب (مستقبل)
۴. کمک خواهیم کرد (س + فعل مضارع (أساعد) ← س أساعد (مستقبل)
۵. خواهند نشست (سوف + فعل مضارع (يجلسون) ← سوف يجلسون (مستقبل)

۱۵. عامل (رفتار کرد) ← إلهي لا تعامل بعدلك. (شهریور ۹۹ - دی ۹۸)

۱۶. «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الأعلون» (خرداد خارج ۹۸)

- ۱. سست نشوید
- ۲. سست نمی‌شوید
- ۳. نباید سست شوید
- ۱۷. قطع (برید) ← لا تقطعوا صداقتكم. (دی خارج ۱۴۰۰)

پایگاه سوال



۱. به‌دست نیاور (لا + تكتسب) ← لا تكتسب (نهی)
۲. رفتار نکن (لا + تعامل) ← لا تعامل (نهی)
۳. اجازه نده (لا + تسمح) ← لا تسمح (نهی)
۴. منع نکنید (لا + تمنع) ← لا تمنعوا (نهی)
۵. هم‌نشینی نکنید (لا + تجالس) ← لا تجالسوا (نهی)
۶. خودداری نکنید (لا + تمتنع) ← لا تمتنعوا (نهی)
۷. یاد نکن (لا + تذكر) ← لا تذكر (نهی)
۸. نفرستید (لا + ترسل) ← لا ترسلوا (نهی)
۹. نزدیک نشوید (لا + تقترب) ← لا تقتربوا (نهی)
۱۰. کمک نکن (لا + تساعد) ← لا تساعدي (نهی)
۱۱. جابه‌جا نشوید (لا + تنتقل) ← لا تنتقلوا (نهی)
۱۲. سخن نگوئید (لا + تكلم) ← لا تكلموا (نهی)
۱۳. نفرست (لا + ترسل) ← لا ترسل (نهی)
۱۴. یاری نجوید (لا + تستعين) ← لا تستعينوا (نهی)
۱۵. رفتار نکن (لا + تعامل) ← لا تعامل (نهی)
۱۶. گزینۀ «۱»: سست نشوید (لا + تهنوا) ← لا تهنوا (نهی)
۱۷. نبرید (لا + تقطع) ← لا تقطعوا (نهی)

مستقبل



• به فعلی گفته می‌شود که بر زمان آینده دلالت می‌کند و با اضافه شدن حرف «س / سوف» به اول فعل مضارع ساخته می‌شود.

س / سوف + فعل مضارع ← مستقبل

• در ترجمه فعل مستقبل از مشتقات فعل «خواهد...» استفاده می‌کنیم.

← س يخرج ترجمه خارج خواهد شد.

← سوف نرجع ترجمه باز خواهیم گشت.

• فعل مستقبل با آمدن حرف «لن» بر سرفعل مضارع، منفی می‌شود.

← لن أخلى ترجمه لن آخلیس

لن + فعل مضارع ← مستقبل منفی

• در ترجمه فعل مستقبل منفی از مشتقات فعل «نخواهد...» استفاده می‌کنیم.

← لن تذهب ترجمه نخواهی رفت، نخواهد رفت

← لن نعلموا ترجمه نخواهید دانست

مضارع التزامی
۲۰
تکرار

- فعلی است که بر وقوع کاری همراه با شک و تردید و تمنا و ... دلالت می‌کند؛ اما وقوع آن حتمی نیست.
- در زبان عربی فعل‌هایی که با هر یک از ساختارهای زیر می‌آیند، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند. (پ + بن فعل + شناسه ← پَرُوم، پَرُوی، پَرُود و ...)

۱ آن (که) / کَی، لِی، بَکَی، حَقَی (تا، برای این که)

+ فعل مضارع ← مضارع التزامی

با دوستش تماس گرفت تا ماشینش را تعمیر بکند. مضارع التزامی	إِنصَلَ بِصَدِيقِهِ لِكَيْ يَصْلَحَ سَيَّارَتَهُمْ. لِکَی + یَصْلَحَ
بیامبران را بر آنان فرستاد تا راه درست و دین حق را آشکار کنند. مضارع التزامی	أَرْسَلَ عَلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُنَبِّئُوا الصِّرَاطَ لِی + یُنَبِّئُوا

۲ این (اگر)، مَن (هرکس)، ما (هرچه)، إِذَا (هرگاه، اگر، چنانچه)

+ فعل مضارع ← مضارع التزامی

(ساختار شماره ۲) مربوط همیشه به اسلوب شرط (جمله‌های شرطی) که فعل شرط طبق فرمول بالا مضارع التزامی و جواب شرط مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

هرگاه خداوند ناپودی مورچه را بخواهد، برایش دو بال می‌رساند. مضارع اخباری	إِنَّا أَرَادَ اللَّهُ هَلَاكَ النَّمْلَةِ أَنْبَتْ لَهَا جَنَاحَيْنِ. جواب شرط (ماضی) / جواب شرط (ماضی)
اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند. مضارع اخباری	«إِنْ تَصُورُوا اللَّهَ يُصَرِّكُمْ» اوقات فعل شرط / جواب شرط

۳ (اِمر) + مضارع (غائب / متکلم) ← باید + مضارع التزامی

- لِی + یُزِیْلَ ← لِیُزِیْلَ (باید بفرستد)
- لِی + نَنْتَقِمَ ← لِنَنْتَقِمَ (باید انتقام بگیریم)
- گاهی حروف ربطی مانند «و، فَ، ثُمَّ» قبل از «لِی» می‌آیند و آن را [لام امر] ساکن می‌کنند.

و باید یاد کنیم.	وَلَنَذَكَّرُ غُلَامًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ ۖ لِی + فعل متکلم مع الغیر (و) به خاطر (و) ساکن شده است.
------------------	--

۴ (لَا نهی) + مضارع (غائب / متکلم) ← نباید + مضارع التزامی

- لَا + یَنْتَقِلَ ← لَا یَنْتَقِلَ (نبايد جابه‌جا شود)
- لَا + یَذْهَبُوا ← لَا یَذْهَبُوا (نبايد بروند)

۶ هم‌نشینی نخواهد کرد

(لَنْ + فعل مضارع (یُجَالِسُ) ← لَنْ یُجَالِسَ ← مستقبل منفی)

۷ به یاد خواهند آورد (سَوْفَ + فعل مضارع (یَتَذَكَّرْنَ) ← مستقبل)

۸ کمک نخواهم کرد

(لَنْ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← لَنْ أُسَاعِدَ ← مستقبل منفی)

۹ جابه‌جا خواهند شد (سَ + فعل مضارع (یَنْتَقِلُونَ) ← مستقبل)

۱۰ بازنشسته خواهید شد (سَ + فعل مضارع (تَتَقَاعَدُونَ) ← مستقبل)

۱۱ خودداری نخواهیم کرد

(لَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← لَنْ نَمْتَنِعَ ← مستقبل منفی)

۱۲ به یاد خواهیم آورد (سَ + فعل مضارع (نَتَذَكَّرُ) ← مستقبل)

۱۳ تلاش نخواهند کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ) ← لَنْ يَجْتَهِدُوا ← مستقبل منفی)

۱۴ به یاد خواهند آورد (سَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرَانِ) ← مستقبل)

۱۵ به یاد خواهند آورد (سَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُونَ) ← مستقبل)

۱۶ به یاد نخواهد آورد

(لَنْ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← لَنْ يَتَذَكَّرَ ← مستقبل منفی)

۱۷ ارزان نخواهد شد

(لَنْ + فعل مضارع (يَرْخُصُ) ← لَنْ يَرْخُصَ ← مستقبل منفی)

۱۸ نخواهید فرستاد

(لَنْ + فعل مضارع (تُرْسِلُونَ) ← لَنْ تُرْسِلُوا ← مستقبل منفی)

۱۹ تلاش نخواهد کرد، تلاش نخواهی کرد

(لَنْ + فعل مضارع (تَجْتَهِدُ) ← لَنْ تَجْتَهِدَ ← مستقبل منفی)

۲۰ عبادت خواهند کرد (سَ + فعل مضارع (يَعْبُدُونَ) ← مستقبل)

۲۱ کمک خواهند کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يُسَاعِدُونَ) ← لَنْ يُسَاعِدُوا ← مستقبل منفی)

۲۲ نامه‌نگاری نخواهد کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يَتَكَاثَبُ) ← لَنْ يَتَكَاثَبَ ← مستقبل منفی)

۲۳ جابه‌جا نخواهد شد

(لَنْ + فعل مضارع (يَنْتَقِلُ) ← لَنْ يَنْتَقِلَ ← مستقبل منفی)

۲۴ نزدیک نخواهیم شد

(لَنْ + فعل مضارع (نَتَقَرَّبُ) ← لَنْ نَتَقَرَّبَ ← مستقبل منفی)

۲۵ موفق خواهد شد (سَوْفَ + فعل مضارع (يَنْجَحُ) ← مستقبل)

۲۶ مشاهده نخواهد کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يُشَاهِدُ) ← لَنْ يُشَاهِدَ ← مستقبل منفی)

۲۷ یاد نخواهد داد

(لَنْ + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← لَنْ يُعَلِّمَ ← مستقبل منفی)

۲۸ نزدیک خواهد شد (سَ + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← مستقبل)

پاسخ سوالات

۱. نباید بازی کنند (لا نهی) + فعل غایب (يَلْعَبُونَ) ← لا يَلْعَبُوا ← نباید + مضارع التزامی
۲. آمرزش بخوهد («مَنْ: هر کس» ← ادات شرط) / «يَسْتَغْفِرُ: فعل شرط است ← مضارع التزامی
۳. به یاد بیاورم (أَنْ + فعل مضارع (أَذْكُرُ) ← أَنْ أَذْكُرُ ← مضارع التزامی
۴. نباید کمک کنیم (لا نهی) + فعل متکلم (نُسَاعِدُ) ← لا نُسَاعِدُ ← نباید + مضارع التزامی
۵. باید کمک کنند (إِ + امر) + فعل مضارع (يُسَاعِدُونَ) ← لِيُسَاعِدُوا ← باید + مضارع التزامی
۶. یاد کنید (إِنْ: اگر) ← حرف شرط / تَذْكُرُوا فعل شرط است ← مضارع التزامی
۷. نباید بازی کند (لا نهی) + فعل غایب (يَلْعَبُ) ← لا يَلْعَبُ ← نباید + مضارع التزامی
۸. سخن بگویم (أَنْ + فعل مضارع (أَتَكَلِّمُ) ← أَنْ أَتَكَلِّمُ ← مضارع التزامی
۹. باید گرمی بداریم (إِ + امر) + فعل متکلم (نُكْرِمُ) ← نِيُكْرِمُ ← باید + مضارع التزامی
۱۰. نباید بنویسند (لا نهی) + فعل غایب (يَكْتُبُونَ) ← لا يَكْتُبُوا ← نباید + مضارع التزامی
۱۱. سخن بگوید («مَنْ: هر کس» ← ادات شرط) / «يَتَكَلَّمُ» فعل شرط است ← مضارع التزامی
۱۲. آمرزش بخوهند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرُونَ) ← مضارع التزامی
۱۳. باید رفتار کنیم (إِ + امر) + فعل متکلم (نُعَامِلُ) ← لِنُعَامِلُ ← باید + مضارع التزامی
۱۴. نباید به یاد آورند (لا نهی) + فعل غایب (يَتَذَكَّرَانِ) ← لا يَتَذَكَّرَا ← نباید + مضارع التزامی
۱۵. باید تلاش کنیم (إِ + امر) + فعل متکلم (نَجْتَهِدُ) ← لِنَجْتَهِدُ ← باید + مضارع التزامی
۱۶. تا کمک کند (لِکَيَّ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← لِيُكَيَّ يُسَاعِدَ ← مضارع التزامی
۱۷. کمک کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← مضارع التزامی
۱۸. یاد کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← مضارع التزامی
۱۹. رفتار کنند (أَنْ + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← أَنْ يُعَامِلُوا ← مضارع التزامی
۲۰. خودداری کنیم (أَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← أَنْ نَمْتَنِعَ ← مضارع التزامی

۵. لَيْتَ (ای کاش)، لَعَلَّ (شاید، گاهی، امید است و ...)

+ فعل مضارع ← مضارع التزامی

«لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ»	ای کاش قوم من بدانند.
«... لَعَلَّهُمْ يَقْبَلُونَ»	شاید آن‌ها خردورزی کنند.

۱. مضارع + مضارع ← مضارع التزامی (و یا مضارع اخباری)

أَفْتَحِرْ بِطَالِبٍ يَسْعَى فِي	به دانش آموزی افتخار می‌کنم که در کسب
مضارع	مضارع
اكتساب الفضائل الأخلاقية.	فضیلت‌های اخلاقی بکوشد. (می‌کوشد)

استفاده سوال

ترجم الأفعال التالية:

۱. لَعِبَ (بازی کرد) ← الأطفال لا يَلْعَبُوا فِي الشَّارِعِ. (داخل و خارج میدان ۱۴۰۴)
۲. اِسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← مَنْ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ يُسَاعِدْهُ. (داخل و خارج حی ۱۴۰۴)
۳. ذَكَرَ (یاد کرد) ← أُرِيدُ أَنْ أَذْكُرَ ذِكْرِي.
۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لا نُسَاعِدُ الظَّالِمِينَ. (خبرداد ۱۴۰۴)
۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الأبناء لِيُسَاعِدُوا آبَاءَهُمْ. (خبرداد ۱۴۰۴)
۶. ذَكَرَ (یاد کرد) ← «... إِنْ تَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ ...» (خبرداد ۱۴۰۴)
۷. لَعِبَ (بازی کرد) ← لا يَلْعَبُ الطِّفْلُ فِي الشَّارِعِ. (حی ۱۴۰۴)
۸. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← أَجِبْ أَنْ أَتَكَلَّمَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. (شویور داخل و خارج ۱۴۰۴)
۹. أَكْرَمَ (گرامی داشت) ← لِنُكْرِمَ وَالِدَيْنَا.
۱۰. كَتَبَ (نوشت) ← الأطفال لا يَكْتُبُوا عَلَى الْأَشْجَارِ. (حی ۱۴۰۴)
۱۱. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← مَنْ يَتَكَلَّمُ فِي الْإِمْتِحَانِ يَحْضُرْ. (خبرداد ۹۸)
۱۲. اِسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← لِيَنْتَهُمُ يَسْتَغْفِرُونَ لِدُنُوبِهِمْ. (خبرداد ۹۸)
۱۳. يُعَامِلُ (رفتار می‌کند) ← لِنُعَامِلِ الْأَطْفَالَ جَيِّدًا. (خبرداد خارج ۱۴۰۴)
۱۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لا يَتَذَكَّرَا. (خبرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۵. اِجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← نَحْنُ لِنَجْتَهِدُ. (خبرداد ۹۹)
۱۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لِيُكَيَّ يُسَاعِدْ. (خبرداد خارج ۹۸)
۱۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لِيَنْتَهُهُ يُسَاعِدْ. (تبر ۹۸)
۱۸. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لِيَنْتَهُهُ يَذْكُرْ. (حی ۹۷)
۱۹. عَامَلَ (رفتار کرد) ← أَنْ يُعَامِلُوا. (خبرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۰. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← أَنْ نَمْتَنِعَ. (الذر ۱۴۰۰)

پاسخ سوالات

۱. گاهی منع می‌کنند، شاید منع کنند (قَدْ + فعل مضارع (يُمْنعان))
۲. گاهی بالا می‌روند، شاید بالا بروند (قَدْ + فعل مضارع (يُصعدان))
۳. گاهی یاد می‌گیرد، شاید یاد بگیرد (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّم))
۴. گاهی تلاش می‌کنند، شاید تلاش کنند (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهدون))
۵. گاهی یاد می‌گیرند، شاید یاد بگیرند (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمون))
۶. گاهی نامه‌نگاری می‌کند، شاید نامه‌نگاری کند (قَدْ + فعل مضارع (يُکاتب))
۷. گاهی کمک می‌کنند، شاید کمک کنند (قَدْ + فعل مضارع (يُساعدون))
۸. گاهی یاد می‌کند، شاید یاد کند (قَدْ + فعل مضارع (يَذکر))
۹. گاهی تلاش می‌کند، شاید تلاش کند (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهد))
۱۰. گاهی سخن می‌گوید، شاید سخن بگوید (قَدْ + فعل مضارع (يَتَکَلَّم))
۱۱. گاهی تشویق می‌کند، شاید تشویق کند (قَدْ + فعل مضارع (يُشجّع))
۱۲. گزینه «۲»: گاهی می‌نویسد (قَدْ + فعل مضارع (يُکَتِّب))
۱۳. گزینه «۳»: گاهی یاد می‌کند (قَدْ + فعل مضارع (يَذکر))



هرگاه حرف «قَدْ» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع را با قید «گاهی، شاید» ترجمه می‌کنیم.

قَدْ + مضارع ← گاهی / شاید

قَدْ + اَلْعَبْ ترجمه ← گاهی بازی می‌کنم، شاید بازی کنم
در ترجمه فعل مضارع همراه با «قَدْ» از فرمول «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» استفاده می‌کنیم.

قَدْ أَذْهَبَ إِلَى الْقَرْيَةِ لِحَوِّهَا الْمَغْتَدِلِ.

گاهی به روستا به خاطر هوای معتدلش می‌روم.	شاید به روستا به خاطر هوای معتدلش بروم.
---	---

استگاه سوال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. مَنَعَ (منع کرد) ← الْوَالِدَانِ قَدْ يَمْنَعَانِ أَوْلَادَهُمَا عَنِ اللَّعِبِ.

(دخل و خرج دي ۱۴۰۴)

۲. صَعَدَ (بالا رفت) ← الطِّفْلَانِ قَدْ يَصْعَدَانِ الصِّفَا.

(خرداد ۱۴۰۴)

۳. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← قَدْ يَتَعَلَّمُ الْإِنْسَانُ مِنَ الْخِيَوَانَاتِ.

(خرداد ۱۴۰۳)

۴. اجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← الطُّلَّابُ قَدْ يَجْتَهِدُونَ فِي الصَّفِّ.

(خرداد ۱۴۰۲)

۵. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← التَّلَامِيذُ قَدْ يَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ.

(دی ۱۴۰۱)

۶. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← قَدْ يُكَاتِبُ.

(دی خارج ۹۹)

۷. سَاعَدَ (کمک کن) ← قَدْ يُسَاعِدُنِ وَالِدَيْهِ.

(خرداد خارج ۱۴۰۲)

۸. ذَكَرَ (یاد کرد) ← قَدْ يَذْكُرُ جَدِّي صَدِيقَةً.

(دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰)

۹. اجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← هُوَ قَدْ يَجْتَهِدُ.

(خرداد ۱۴۰۰)

۱۰. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← قَدْ يَتَكَلَّمُ مَعَ صَدِيقِهِ.

(خرداد خارج ۱۴۰۱)

۱۱. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← قَدْ يُشَجِّعُ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

انتخب الصحيح في الترجمة:

۱۲. قَدْ يَكْتُبُ الْكُسُولُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ.

(سر داد ۱۴۰۳)

○ (۱) تنبل، تمرین‌های درس را نوشته است.

○ (۲) تنبل، تمرین‌های درس را گاهی می‌نویسد.

(خرداد خارج ۹۸)

۱۳. قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ.

○ (۱) یاد کرده است

○ (۲) گاهی یاد خواهد کرد

○ (۳) گاهی یاد می‌کند

فعل امر، فعلی است که در آن به انجام دادن کاری دستور می‌دهیم.

اجْلِسْ / بنشین / اَدْخُلُوا / داخل شوید / اُزْسِلَا / بفرستید

ساخت فعل امر از صیغه‌های مخاطب:

با حذف حرف مضارع «ت» به ساکن می‌رسیم و برای سهولت تلفظ همزه می‌آوریم و سپس فعل‌های دارای «ه» در انتهای فعل به ساکن و فعل‌هایی که «ن» دارند، «نوشون» حذف می‌شود به جزنون جمع مؤنث، (دقت کنید این تغییرات در فعل ثلاثی مجرد و فعل‌های ثلاثی مزید در باب‌های «اِشْتَفَعَال»، «اِفْتَعَال»، «اِفْعَال» هست).

یادتون باشه حرکت همزه متناسب با حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) هست، اگه ضمه بود همیشه ضمه (ه) و اگه کسره بود همون «ه» ولی اگه فتحه بود همیشه «ه» فقط یک استثناء داریم و اون هم در باب «اِفْعَال» هست که کسره به «فتحه» تبدیل می‌شه. پس همزه فعل امر در باب «اِفْعَال» همیشه مفتوح (ه) هست.

«... اِزْجِعِي إِلَى رَبِّكَ ...» (فعل امر فر مؤنثین)	به سوی پروردگارت بازگرد.
«وَاِسْتَعِينُوا بِالْصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (فعل امر فر مشفعینون)	و از بردباری و نماز یاری بجوید.

به وزن‌های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب‌های «اِشْتَفَعَال»، «اِفْتَعَال»، «اِفْعَال» دقت کنید تا آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید. (با ذکر یک نمونه فعل براتون توضیح دادیم).

ایستگاه سوال

ترجم الأفعال التالية:

۱. أَخْرَجَ (خارج کرد) ← رَجَاءُ أَخْرَجَ الْكُتُبَ مِنْ حَقِيبَتِكُنَّ.

(داخل و خارج مردغ-1404)

(داخلی و خارجى) ۱۴۰۴

(١٤٠٤ هـ ١٩٨٤ م)

(1950-51)

اَلْعَاقِبَةُ.

(خارج، خارج، خارج - شعور داخلي، خارج، خارج)

(خداداد) ۱۹۹۰ء

(1994)

(9A-c3)

(خرداد ۹۸)

(992, 15, 1)

pinkish

(جديد ٥٩)

(جدول ۹۹ - آئی ٹی سی)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

(149) 200, 600, 1,000, 1,500, 2,000, 2,500, 3,000, 3,500, 4,000, 4,500, 5,000, 5,500, 6,000, 6,500, 7,000, 7,500, 8,000, 8,500, 9,000, 9,500, 10,000, 10,500, 11,000, 11,500, 12,000, 12,500, 13,000, 13,500, 14,000, 14,500, 15,000, 15,500, 16,000, 16,500, 17,000, 17,500, 18,000, 18,500, 19,000, 19,500, 20,000, 20,500, 21,000, 21,500, 22,000, 22,500, 23,000, 23,500, 24,000, 24,500, 25,000, 25,500, 26,000, 26,500, 27,000, 27,500, 28,000, 28,500, 29,000, 29,500, 30,000, 30,500, 31,000, 31,500, 32,000, 32,500, 33,000, 33,500, 34,000, 34,500, 35,000, 35,500, 36,000, 36,500, 37,000, 37,500, 38,000, 38,500, 39,000, 39,500, 40,000, 40,500, 41,000, 41,500, 42,000, 42,500, 43,000, 43,500, 44,000, 44,500, 45,000, 45,500, 46,000, 46,500, 47,000, 47,500, 48,000, 48,500, 49,000, 49,500, 50,000, 50,500, 51,000, 51,500, 52,000, 52,500, 53,000, 53,500, 54,000, 54,500, 55,000, 55,500, 56,000, 56,500, 57,000, 57,500, 58,000, 58,500, 59,000, 59,500, 60,000, 60,500, 61,000, 61,500, 62,000, 62,500, 63,000, 63,500, 64,000, 64,500, 65,000, 65,500, 66,000, 66,500, 67,000, 67,500, 68,000, 68,500, 69,000, 69,500, 70,000, 70,500, 71,000, 71,500, 72,000, 72,500, 73,000, 73,500, 74,000, 74,500, 75,000, 75,500, 76,000, 76,500, 77,000, 77,500, 78,000, 78,500, 79,000, 79,500, 80,000, 80,500, 81,000, 81,500, 82,000, 82,500, 83,000, 83,500, 84,000, 84,500, 85,000, 85,500, 86,000, 86,500, 87,000, 87,500, 88,000, 88,500, 89,000, 89,500, 90,000, 90,500, 91,000, 91,500, 92,000, 92,500, 93,000, 93,500, 94,000, 94,500, 95,000, 95,500, 96,000, 96,500, 97,000, 97,500, 98,000, 98,500, 99,000, 99,500, 100,000, 100,500, 101,000, 101,500, 102,000, 102,500, 103,000, 103,500, 104,000, 104,500, 105,000, 105,500, 106,000, 106,500, 107,000, 107,500, 108,000, 108,500, 109,000, 109,500, 110,000, 110,500, 111,000, 111,500, 112,000, 112,500, 113,000, 113,500, 114,000, 114,500, 115,000, 115,500, 116,000, 116,500, 117,000, 117,500, 118,000, 118,500, 119,000, 119,500, 120,000, 120,500, 121,000, 121,500, 122,000, 122,500, 123,000, 123,500, 124,000, 124,500, 125,000, 125,500, 126,000, 126,500, 127,000, 127,500, 128,000, 128,500, 129,000, 129,500, 130,000, 130,500, 131,000, 131,500, 132,000, 132,500, 133,000, 133,500, 134,000, 134,500, 135,000, 135,500, 136,000, 136,500, 137,000, 137,500, 138,000, 138,500, 139,000, 139,500, 140,000, 140,500, 141,000, 141,500, 142,000, 142,500, 143,000, 143,500, 144,000, 144,500, 145,000, 145,500, 146,000, 146,500, 147,000, 147,500, 148,000, 148,500, 149,000, 149,500, 150,000, 150,500, 151,000, 151,500, 152,000, 152,500, 153,000, 153,500, 154,000, 154,500, 155,000, 155,500, 156,000, 156,500, 157,000, 157,500, 158,000, 158,500, 159,000, 159,500, 160,000, 160,500, 161,000, 161,500, 162,000, 162,500, 163,000, 163,500, 164,000, 164,500, 165,000, 165,500, 166,000, 166,500, 167,000, 167,500, 168,000, 168,500, 169,000, 169,500, 170,000, 170,500, 171,000, 171,500, 172,000, 172,500, 173,000, 173,500, 174,000, 174,500, 175,000, 175,500, 176,000, 176,500, 177,000, 177,500, 178,000, 178,500, 179,000, 179,500, 180,000, 180,500, 181,000, 181,500, 182,000, 182,500, 183,000, 183,500, 184,000, 184,500, 185,000, 185,500, 186,000, 186,500, 187,000, 187,500, 188,000, 188,500, 189,000, 189,500, 190,000, 190,500, 191,000, 191,500, 192,000, 192,500, 193,000, 193,500, 194,000, 194,500, 195,000, 195,500, 196,000, 196,500, 197,000, 197,500, 198,000, 198,500, 199,000, 199,500, 200,000, 200,500, 201,000, 201,500, 202,000, 202,500, 203,000, 203,500, 204,000, 204,500, 205,000, 205,500, 206,000, 206,500, 207,000, 207,500, 208,000, 208,500, 209,000, 209,500, 210,000, 210,500, 211,000, 211,500, 212,000, 212,500, 213,000, 213,500, 214,000, 214,500, 215,000, 215,500, 216,000, 216,500, 217,000, 217,500, 218,000, 218,500, 219,000, 219,500, 220,000, 220,500, 221,000, 221,500, 222,000, 222,500, 223,000, 223,500, 224,000, 224,500, 225,000, 225,500, 226,000, 226,500, 227,000, 227,500, 228,000, 228,500, 229,000, 229,500, 230,000, 230,500, 231,000, 231,500, 232,000, 232,500, 233,000, 233,500, 234,000, 234,500, 235,000, 235,500, 236,000, 236,500, 237,000, 237,500, 238,000, 238,500, 239,000, 239

(عقود و قراردادها)

(شماره ۱۳۵)

(48, c)

(خبردار، خوار و مکار)

(تجدید و نوآوری)

(1991) 100-101.

(1) 1990-1991 (1990-1991)

(1500 with $\epsilon = 2$)

2150-4351

ياسمىٰ

۱. «أَخْرِجْ: خارج کنید» (فعل امر از «تَخْرِجُ» صیغه للمخاطبات و از باب «إفْعَال» است).

۲. «إِسْتَغْفِرُنَّ: طلب آمرزش کنید، آمرزش بخواهید» (فعل امر از «تَسْتَغْفِرُنَّ» صیغه للمخاطبات و از باب «استفعال» است.)

۳. «قَيِّدُوا: به بند آورید» فعل امر از باب «تَفْعِيل» است. (قَيِّدُوا: به بند آورند، فعل، ماضی است.)

۴. «انْظُرُوا: نگاه کنید» (فعل امر از صیغه «تَنْظُرُونَ» است).
 ۵. «تَكَلَّمُوا: سخن بگویند» (دقت کنید فعل «تَكَلَّمُوا: سخن گفتند»

می‌تواند ماضی هم باشد اما در اینجا با توجه به کلمه «جاء» به معنای «لطفاً» که بر درخواست کار دلالت دارد، ترجمه فعل به صورت امر درست است.

۶. «اُگرموا» فعل امر از باب «إفعال» و به معنای «گرامی بدارید» است. («اُگرموا»: گرامی داشتند، فعل ماضی است.)

باب	ماضی	مضارع	مصدر	امر
إِسْتَفْعَال	إِسْتَفْعَزَ (آمزش خواست)	يَسْتَفْعِزُ (آمزش می‌خواهد)	إِسْتِفْعَار (آمزش خواستن)	إِسْتَفْعِزْ (آمزش بخواه)
اِفْتِعَال	اِفْتَعَّ (خودداری کرد)	يَفْتَعُّ (خودداری می‌کند)	اِفْتِنَاع (خودداری کردن)	اِفْتَعِ (خودداری کن)
اِنْفِعَال	اِنْتَحَبَّ (عقب‌نشینی کرد)	يَنْتَحِبُّ (عقب‌نشینی می‌کند)	اِنْتِحَاب (عقب‌نشینی کردن)	اِنْتَحَبْ (عقب‌نشینی کن)
اِفْعَال	أَخْلَسَ (نشاند)	يُخْلِسُ (می‌نشاند)	إِخْلَاس (نشاندن)	أَخْلَسْ (نشاندن)

➡ به فعل‌های ماضی و امر این چهار باب دقت کنید، حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی) در ماضی، فتحه (ـَ) و در امر، کسره (ـِ) است.

من فضلكم اجتهدوا. (خرداد ۱۴۰۰) لطفاً تلاش کنید.

«اِخْتَبَدُوا» فعل أمر (حركات عين الفعل «كسره» هست.) و از باب «اِفْتِعَال» است و نباید آن را با ماضی «اِخْتَبَدُوا» اشتباه بگیرید.

حالا به ساخت فعل امر باب‌های «مُفَاعَلَةٌ، تَفَاعُلٌ، تَفْعِيلٌ، تَفْعُّلٌ» دقت کنید. (هنگام امر این فعل‌ها، زمانی که حرف مضارع «ت» را حذف می‌کنیم، به راحتی می‌توانیم فعل را بخوانیم، بنابراین نیازی به همزه فعل امر نداریم.)

تُجَاهِدُ ﴿١٠٠﴾ جَاهِدْ (مبارزه کن) تَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾ عَلِّمُوا (یاد دهید)

➡ به وزن های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب های «مُفاعِلَة، تَفَاعُل، تَفَعُّل، تَفَعَّل» دقت کنید تا آن ها را با یکدیگر اشتباه نگیرد.

باب	مفاعلة	تفاعل	تفعیل	تثقل
ماضی	كَاتَبَ (نامه نگاری کرد)	تَقَاعَدَ (بازنشسته شد)	عَلَّمَ (یاد داد)	تَذَكَّرَ (به یاد آورد)
مضارع	يُكَاتِبُ (نامه نگاری می کند)	يَتَقَاعَدُ (بازنشسته می شود)	يُعَلِّمُ (یاد می دهد)	يَتَذَكَّرُ (به یاد می آورد)
مصدر	مُكَاتَبَةٌ (نامه نگاری کردن)	تَقَاعُدٌ (بازنشسته شدن)	تَعْلِيمٌ (یاد دادن)	تَذَكُّرٌ (به یاد آوردن)
امر	كَاتِبْ (نامه نگاری کن)	تَقَاعَدْ (بازنشسته شو)	عَلِّمْ (یاد بده)	تَذَكَّرْ (به یاد آور)
توضیحات	به ماضی و امر دقت کنید.	مصدر را با فعل امر اشتباه نگیرید.	ماضی را با فعل امر اشتباه نگیرید.	به ماضی و مصدر و امر دقت کنید.

استغناء سؤالات

ترجم الأفعال التالية:

۱. أَخْرَجَ (خارج کرد) ← لِنُخْرِجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا.

(داخل و خارج کردن)

۲. حَضَرَ (حاضر شد) ← لَتُخَضِّرَ أُمِّي فِي الْمَدْرَسَةِ.

(داخل و خارج دی)

۳. عَلَّمَ (دانست) ← الْعَبْدُ لَيُعَلِّمُ عَظْمَةَ الْخَالِقِ.

(خارج کردن)

۴. نَظَرَ (نگاه کرد) ← فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ.

(خارج کردن)

۵. اسْتَمَعَ (گوش فرا داد) ← لَيَسْمَعَنَّ كُلُّ طَالِبٍ إِلَى كَلَامِ مُعَلِّمِهِ.

(شنیدن داخل و خارج)

۶. يُعَامِلُ (رفتار می کند) ← لَنُعَامِلَ الْأَطْفَالَ جَيِّدًا.

(خارج کردن)

۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الْأَغْنِيَاءُ لَيُسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ.

(دی)

۸. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَيَتَذَكَّرُ دَرَسُهُ.

(دی)

۹. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَيَجْتَهِدُ.

(خارج کردن)

۱۰. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَيَمْتَنِعُ.

(قدر)

۱۱. نَجَحَ (موفق شد) ← لَيَنْجَحُ.

(شعبه ۸)

۱۲. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لَيُسَاعِدُ.

(شعبه ۹)

۱۳. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَيُرْسِلُ.

(دی)

پاسخ سؤالات

۱. باید خارج کنیم (ل + فعل مضارع متکلم نُخْرِجُ) ← لِنُخْرِجَ (امر

غایب) ← باید + مضارع التزامی

۲. باید حاضر شود (ل + فعل مضارع تَخَضَّرُ) ← لَتُخَضِّرَ (امر غایب)

← باید + مضارع التزامی

۳. باید بداند (ل + فعل مضارع غایب يَعْلَمُ) ← لَيَعْلَمَ (امر غایب)

← باید + مضارع التزامی

۴. باید نگاه کند (ل + فعل مضارع غایب يَنْظُرُ) ← لَيَنْظُرَ (امر غایب)

← باید + مضارع التزامی

۵. باید گوش فرا بدهد (ل + فعل مضارع غایب يَسْمَعُ) ← لَيَسْمَعَنَّ

(امر غایب) ← باید + مضارع التزامی

۶. باید رفتار کنیم (ل + فعل مضارع متکلم نُعَامِلُ) ← لَنُعَامِلَ (امر

غایب) ← باید + مضارع التزامی

۷. باید کمک کنند (ل + فعل مضارع غایب يُسَاعِدُونَ) ← لَيُسَاعِدُوا

(امر غایب) ← باید + مضارع التزامی

۸. باید به یاد بیاورد (ل + فعل مضارع غایب يَتَذَكَّرُ) ← لَيَتَذَكَّرُ

(امر غایب) ← باید + مضارع التزامی

۹. باید بکوشد (تلاش کند) (ل + فعل مضارع غایب يَجْتَهِدُ) ←

لَيَجْتَهِدُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی

۱۰. باید خودداری کنیم (ل + فعل مضارع متکلم لَمْتَنِعُ) ← لَيَمْتَنِعُ

(امر غایب) ← باید + مضارع التزامی

۱۱. باید موفق شود (ل + فعل مضارع غایب يَنْجَحُ) ← لَيَنْجَحُ

(امر غایب) ← باید + مضارع التزامی

۷. «تَعَلَّمُوا: بیاموزید، یاد بگیرید» فعل امر از باب «تَفَعَّلَ» است. (دقت کنید «تَعَلَّمُوا» می تونه ماضی هم باشه (: فرا گرفتند) ولی با توجه به کلمه «رَجَاءً: لطفاً» که معنای درخواست کاری را می دهد، این فعل در معنای امر است.)

۸. «اِنْتَقِلُوا: جابه جا شوید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد). و نباید آن را با «اِنْتَقِلُوا: جابه جا شدند» که ماضی است، اشتباه گرفت.

۹. «اِسْتَعْمِلُوا: آموزش بخواهید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با فعل ماضی «اِسْتَعْمِلُوا: آموزش خواستند» اشتباه گرفت.

۱۰. «کَاتِبُوا: نامه نگاری کردند» فعل ماضی است (عین الفعل آن فتحه دارد) و نباید آن را با فعل امر «کَاتِبُوا: نامه نگاری کنید» اشتباه گرفت.

۱۱. «شَاهِدُوا: مشاهده کنید، ببینید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با «شَاهِدُوا: مشاهده کردند، دیدند» که ماضی است اشتباه گرفت.

۱۲. «الْإِجْتِهَادُ» مصدر باب «إِفْتَعَالُ» و به معنای «تلاش کردن» است.

۱۳. «الْإِمْتِنَاعُ» مصدر باب «إِفْتَعَالُ» و به معنای «خودداری کردن» است.

۱۴. «الْمُعَامَلَةُ» مصدر باب «مُفَاعَلَةُ» و به معنای «رفتار کردن» است.

۱۵. «سَاعَدَ: کمک کن» فعل امر است.

۱۶. «مُجَالَسَةُ» مصدر باب «مُفَاعَلَةُ» و به معنای «هم نشینی کردن» است.

۱۷. «أَرْسِلُوا» فعل امر از باب «إِفْعَالُ» و به معنای «بفرستید» است. (أَرْسِلُوا: فرستادند، فعل ماضی است.)

۱۸. «أَرْسِلْ» فعل امر از باب «إِفْعَالُ» به معنای «بفرست» است.

۱۹. «أَنْقِذُوا» فعل امر از باب «إِفْعَالُ» به معنای «نجات دهید» است. (أَنْقِذُوا: نجات دادند، ماضی است.)

۲۰. «اِمْتَنِعْ» فعل امر از باب «إِفْتَعَالُ» و به معنای «خودداری کن» است.

۲۱. «اِسْتَعِينُوا» فعل امر از باب «اِسْتِفْعَالُ» و به معنای «یاری بجویید» است.

۲۲. «اِعْمَلُوا» فعل امر و به معنای «عمل کنید» است.

۲۳. «اَذْكُرُوا» فعل امر و به معنای «یاد کنید» است.

۲۴. «اجْتَهِدُوا» فعل امر از باب «إِفْتَعَالُ» و به معنای «تلاش کنید» است. («اجْتَهِدُوا: تلاش کردند، ماضی است.)

ساخت فعل امر از صیغه های غایب و متکلم:

• حرف «لَ: باید» بر سر فعل های غایب و متکلم نیز نوعی دیگر از فعل امر به شمار می رود. (دقت کنید که «لَ» امر غایب و متکلم، آخر فعل را ساکن می کنه و تون دارها، نونشون حذف میشه به جز نون جمع مؤنث.)

← لَيَرْجِعْ ← باید برگردد (ل + فعل مضارع غایب)

← لَيُجِثْ ← باید جست و جو کنم (ل + فعل مضارع متکلم)

← این نوع از فعل امر به صورت زیر ترجمه می شود:

باید + مضارع التزامی

پاسخ سوالات

۱. منع شدیم («مُنَعْنَا» فعل ماضی مجهول است.)
۲. یاد شده اند («قَدْ ذُكِرُوا» فعل ماضی نقلی مجهول است.)
۳. منع نشد («مَا مَنَعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۴. سؤال شد («سُئِلَ» فعل ماضی مجهول است.)
۵. آمرزیده نمی شود («لَا يُعَفَّرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)
۶. آفریده شد («خُلِقَ» فعل ماضی مجهول است.)
۷. بریده نشد («مَا قُطِعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۸. آمرزیده نمی شود («لَا يُعَفَّرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)
۹. گزینۀ «۱»: فرود آورده شدند («نُزِّلَ» فعل ماضی مجهول است.)

نون

وقایه

- هرگاه فعلی (ماضی، مضارع، امر) به ضمیر «ی» متصل شود میان نشان «نون» می آید که به آن «وقایه» گفته می شود.
- أَخَذَ + ن (وقایه) + ی ← أَخَذَنِي (مرا برد)
- ضمیر متصل «ی» پس از «نون وقایه» مفعول است و به صورت «مرا / به من» ترجمه می شود.

← أَتَيْتَنِي ← مرا راهنمایی کن.

فعل + ن + ی

ماضی / مضارع / امر + ن + ی

← ترجمۀ ضمیر «ی» (به من، مرا)

- فعل هایی که «نون» آخرین حرف اصلی آن هاست مانند «يُخَزِّنُ، سَكَنَ، يَقِنُ، حَسِنَ و ...» فقط هنگامی «نون» وقایه دارند که علاوه بر «نون» خود، حرف «نون» دیگری هم داشته باشند.

لا تَخْزِنِي (غمگین نشو)

«ن» جزو خود کلمه است و ضمیر «ی» مفعول ترجمه نمی شود؛ بلکه فاعل هست.

يا أختي الكريمة أحسني
إلى المساكين.
ای خواهر بخشنده ام به بیچارگان
نیکی کن.

فعل «أَحْسَنِي» امر از «تُحَسِّنِينَ» می باشد و ریشه فعل «حَسِنَ» هست، پس «نون» جزو ریشه اصلی فعله و چون «ن» دیگری نداریم ضمیر «ی» ضمیر متصل فاعلی هست.

لا تَخْزِنِي (مرا غمگین نمی کند)

«ن» دوم وقایه است و ضمیر «ی» مفعول است و «مرا» ترجمه می شود.

۱۲. باید کمک کند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُ) ← يُسَاعِدُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۱۳. باید بفرستد (ل + فعل مضارع غایب (يُرْسِلُ) ← يُرْسِلُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

معلوم و مجهول

مجهول

فعل معلوم: فعلی است که فاعل آن در جمله مشخص و معلوم باشد.

أَكَلَ الطِّفْلُ طَعَامَهُ.
فعل معلوم
مفعول معلوم
کودک غذایش را خورد.

• تشخیص فعل ماضی مجهول
حرف ما قبل آخر: کسره (ـِ)
حروف حرکت دار قبل از حرف آخر: ضمه (ـُ)

كَتَبَ مَجْهُولٌ كُتِبَ (نوشته شد)

اِكْتَسَبَ مَجْهُولٌ اُكْتُسِبَ (به دست آورده شد)

• تشخیص فعل مضارع مجهول
حرف ما قبل آخر: فتحه (ـَ)
حرف مضارعه: ضمه (ـُ)

يَكْتُبُ مَجْهُولٌ يُكْتَبُ (نوشته می شود)

• در ترجمۀ فعل ماضی مجهول از فعل کمکی «شدن» استفاده می کنیم.

نُصِبَ لَهُ مَنِيْرٌ.
ماضی مجهول
منبری برایش نصب شد. (برپا شد)

• در ترجمۀ فعل مضارع مجهول از فعل «می شود» و مشتقات آن استفاده می کنیم.

عِنْدَ الشَّدَائِدِ يُعْرِفُ الْإِخْوَانُ.
مضارع مجهول
هنگام سختی ها، برادران شناخته می شوند.

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. مَنَعَ (منع کرد) ← مُنَعْنَا عَنِ الْمَوَادِّ الشَّكْرِيَّةِ. (داخل و خارج دی ۱۴۰۴)
۲. ذَكَرَ (یاد کرد) ← هُمْ قَدْ ذُكِرُوا بِالْخَيْرِ. (خرداد ۱۴۰۴)
۳. مَنَعَ (منع کرد) ← مَا مَنَعَ الْمَرِيضَ عَنِ الْأَكْلِ. (شعبور داخل و خارج ۱۴۰۴)
۴. سَأَلَ (سؤال کرد) ← سُئِلَ الْمُدِيرُ: أ فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ (خرداد ۱۴۰۴)
۵. عَفَرَ (آمرزید) ← لَا يُعَفَّرُ الْمُخْطِئُ. (دی ۱۴۰۵)
۶. خَلَقَ (آفرید) ← خُلِقَ. (دی ۹۹)
۷. قَطَعَ (برید) ← مَا قُطِعَ رَجَائِي. (دی خارج ۱۴۰۵)
۸. عَفَرَ (آمرزید) ← لَا يُعَفَّرُ. (آذر ۱۴۰۵)
۹. نَزَّلَ الْمَلَائِكَةُ نَزْلًا. (خرداد ۹۹)

○ ۱) فرود آورده شدند

○ ۲) فرود آورده می شوند

○ ۳) فرود آمدند

ایستگاه سؤال



ترجم الأفعال التالية:

۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الطَّلَابُ سَاعَدُونِي.

۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ← عَامِلُنِي.

۳. حَفِظَ (حفظ کرد) ← قَدْ حَفِظَنِي إِيْمَانِي.

۴. تَذَكَّرَ (به یاد آوردن) ← تَذَكَّرَنِي جَدَّتِي.

۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ سَاعَدَنِي.

۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ سَاعَدُونِي.

۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ سَاعَدُونِي.

(دی ۱۴۰۱)

(خرداد ۱۴۰۰)

(شرداد ۹۹)

(خرداد ۱۴۰۴)

(دی ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۱)

(شرداد ۹۸)

(دی ۹۸ - تیر ۹۸)

پاسخ سؤالات



۱. به من کمک کردند

(سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۲. با من رفتار کن

(عَامَلَ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۳. مرا حفظ کرده است

(قَدْ حَفِظَ (ماضی نقلی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۴. مرا یاد کرد

(تَذَكَّرَتْ (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۵. به من کمک کن

(سَاعَدَ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۶. به من کمک کنید

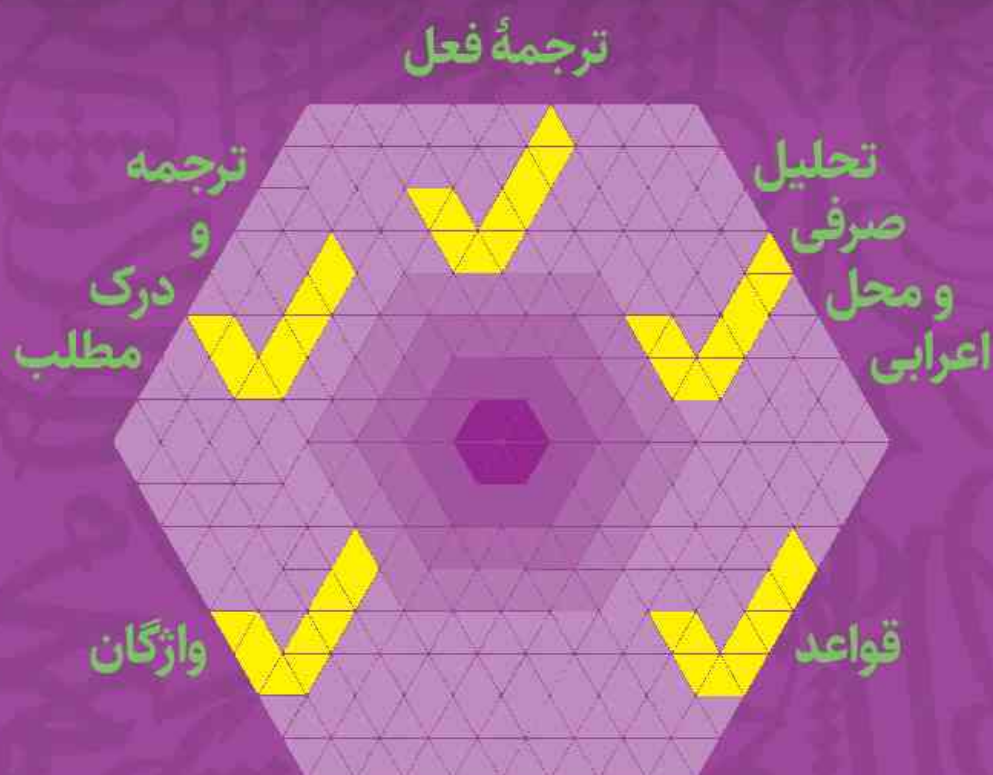
(سَاعِدُوا (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

۷. به من کمک کردند

(سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

یادداشت:

پاسخنامہ تشریحی



ترجمه فعل

پاسخ بخش اول

- ۱ حاضر نشد، حاضر نشده است (لَمْ + يَخْضُرُ ← لَمْ يَخْضُرْ ماضی منفی / ماضی نقلی منفی)
- ۲ باید حاضر شود (لَمْ + فعل مضارع (تَخْضُرُ) ← لَمْ يَخْضُرْ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
- ۳ سخن گفته بودم (كُنْتُ + قَدْ + فعل ماضی (تَكَلَّمْتُ) ← ماضی بعید)
- ۴ «تَكَلَّمُوا! سخن بگویید» (دقت کنید فعل «تَكَلَّمُوا! سخن گفتند» می تواند ماضی هم باشد اما در این جا با توجه به کلمه «رَجَاء» به معنای «لطفاً» که بر درخواست کار دلالت دارد، ترجمه فعل به صورت امر درست است.)
- ۵ «اِسْتَعْفِرْنَ: طلب آمرزش کنید، آمرزش بخواهید» (فعل امر از «تَسْتَغْفِرْنَ» صیغه للمخاطبات و از باب «اِسْتِفْعَال» است.)
- ۶ آمرزش بخواهد (مَنْ: هر کس ← اِذَا شرط) / «يَسْتَعْفِرُ: فعل شرط است ← مضارع التزامی)
- ۷ منع شدیم («مُنِعْنَا» فعل ماضی مجهول است.)
- ۸ گاهی منع می کنند، شاید منع کنند (قَدْ + فعل مضارع (يُمْنَعَانِ))
- ۹ نباید بازی کنند (لَا (نَهَى) + فعل غایب (يَلْعَبُونَ) ← لَا يَلْعَبُوا ← نباید + مضارع التزامی)
- ۱۰ بازی نخواهند کرد (لَمْ + فعل مضارع (تَلْعَبُ) ← لَمْ تَلْعَبْ ← مستقبل منفی)
- ۱۱ خارج کرده بودید (كُنْتُمْ + قَدْ + فعل ماضی (أَخْرَجْتُمْ) ← ماضی بعید)
- ۱۲ «أَخْرَجْنِ: خارج کنید» (فعل امر از «تُخْرِجْنَ» صیغه للمخاطبات و از باب «إِفْعَال» است.)
- ۱۳ باید خارج کنیم (لَمْ + فعل مضارع متکلم (تُخْرِجُ) ← لَمْ تُخْرِجْ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
- ۱۴ به یاد بیاورم (أَنْ + فعل مضارع (أَذْكُرُ) ← أَنْ أَذْكُرَ مضارع التزامی)
- ۱۵ یاد نکرد (مَا + ذَكَرْتُ ← ماضی منفی))
- ۱۶ یاد نکردی، یاد نکرده ای (لَمْ + تَذْكُرِينَ ← لَمْ تَذْكُرِي ماضی منفی / ماضی نقلی منفی))
- ۱۷ به دست نیاور. (لَا + فعل مضارع (تَكْتَسِبِينَ) ← لَا تَكْتَسِبِينَ (فعل نهی))
- ۱۸ به دست نیاوردیم، به دست نیاورده ایم (لَمْ + فعل مضارع (نَكْتَسِبُ) ← لَمْ نَكْتَسِبْ ماضی منفی / ماضی نقلی منفی))
- ۱۹ به دست نمی آورند (لَا + فعل مضارع (يَكْتَسِبَانِ) ← لَا يَكْتَسِبَانِ (مضارع منفی))
- ۲۰ می دانستم (كُنْتُ + فعل مضارع (أَعْلَمُ) ← ماضی استمراری)
- ۲۱ دانسته بودند (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (عَلِمَا) ← ماضی بعید)
- ۲۲ باید بدانند (لَمْ + فعل غایب (يَعْلَمُ) ← لَمْ يَعْلَمِ (باید + مضارع التزامی))
- ۲۳ به بند آورید («قَيَّدُوا» فعل امر از «تَقَيَّدُونَ» و از باب «تَفْعِيل» است.)
- ۲۴ به بند آورده اند (قَدْ + فعل ماضی (قَيَّدُوا) ← قَدْ قَيَّدُوا ماضی نقلی))
- ۲۵ باید کمک کنند (لَمْ + فعل غایب (يُسَاعِدُونَ) ← لَمْ يُسَاعِدُوا ← باید + مضارع التزامی)
- ۲۶ نباید کمک کنیم (لَا (نَهَى) + فعل متکلم (تُسَاعِدُ) ← لَا تُسَاعِدْ ← نباید + مضارع التزامی)
- ۲۷ کمک نمی کنی (لَا (نَهَى) + فعل مضارع (تُسَاعِدِينَ) ← لَا تُسَاعِدِينَ ← مضارع منفی)
- ۲۸ یاد نخواهم کرد (لَنْ + فعل مضارع (أَذْكُرُ) ← لَنْ أَذْكُرَ مستقبل منفی)
- ۲۹ یاد شده اند (قَدْ + فعل ماضی مجهول (ذُكِرُوا) ← فعل ماضی نقلی مجهول)
- ۳۰ یاد کنید («إِنْ: اگر» ← حرف شرط / «تَذْكُرُوا» فعل شرط ← مضارع التزامی)
- ۳۱ بالا نرفت، بالا نرفته است. (لَمْ + فعل مضارع (تَصْعَدُ) ← لَمْ تَصْعَدْ ماضی منفی / ماضی نقلی منفی)
- ۳۲ گاهی بالا می روند، شاید بالا بروند (قَدْ + فعل مضارع (يَصْعَدَانِ))
- ۳۳ فعل مضارع به همراه «قَدْ» با قید «گاهی» یا «شاید» به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود.)
- ۳۴ می پخت (كَانَتْ + فعل مضارع (تَطْبَخُ) ← ماضی استمراری)
- ۳۵ پخته می شود («يُطْبَخُ» فعل مضارع مجهول است.)
- ۳۶ موفق می شوم («أَنْجَحُ» جواب شرط است و به صورت مضارع اخباری ترجمه می شود.)
- ۳۷ موفق خواهید شد (سَ + فعل مضارع (تَنْجَحُونَ) ← مستقبل)
- ۳۸ یاد بگیرید («تَعَلَّمَا» فعل امر از «تَتَعَلَّمَانِ» است.)
- ۳۹ یاد نخواهد گرفت (لَنْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُ) ← مستقبل منفی)
- ۴۰ هم نشینی نمی کنند («لَا» ی نفی + فعل مضارع (يُجَالِسُونَ) ← مضارع منفی)
- ۴۱ باید هم نشینی کنند (لَمْ + فعل غایب (يُجَالِسْنَ) ← لَمْ يُجَالِسْنَ (باید + مضارع التزامی))
- ۴۲ کمک نکرد - کمک نکرده است (لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (يُسَاعِدُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی))
- ۴۳ باید کمک کنند (لَمْ + فعل غایب (يُسَاعِدُونَ) ← لَمْ يُسَاعِدُوا ← باید + مضارع التزامی))
- ۴۴ خوانده ام (قَدْ + فعل ماضی (قَرَأْتُ) ← ماضی نقلی)
- ۴۵ نمی خوانند («لَا» ی نفی + فعل مضارع (يَقْرَؤُونَ) ← مضارع منفی)
- ۴۶ یاد بده («عَلِمَ» فعل امر از «تُعَلِّمُ» است.)
- ۴۷ یاد نخواهد داد (لَنْ + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← مستقبل منفی)
- ۴۸ خواهد نوشت (سَوْفَ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← مستقبل)
- ۴۹ ننویسد («لَا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبُونَ) ← لَا تَكْتُبُوا (نهی))
- ۵۰ رفتار نکن («لَا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تُعَامِلُ) ← نهی)
- ۵۱ رفتار می کرد (كَانَ + فعل مضارع (يُعَامِلُ) ← ماضی استمراری)
- ۵۲ رفتار نمی کنید («لَا» ی نفی + فعل مضارع (تُعَامِلُونَ) ← مضارع منفی)

- ۸۱ یاد بگیرید (فعل امر از باب «تَفَعَّلَ»)
- ۸۲ گاهی یاد می‌گیرند (شاید یاد بگیرند) (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.)
- ۸۳ یاد نگرفت (یاد نگرفته است)
- ۸۴ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يَتَعَلَّمُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی) به من کمک کردند
- فعل ماضی (سَاعَدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
- ۸۵ باید کمک کنند (لِ (امر) + فعل مضارع (يُسَاعِدُوا) ← باید + مضارع التزامی)
- ۸۶ کمک خواهیم کرد (سَ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل)
- ۸۷ نباید بنویسند («لا»ی نهی + فعل مضارع غایب (يَكْتُبُوا) ← نباید + مضارع التزامی)
- ۸۸ نوشته بودند (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْتَ) ← ماضی بعید)
- ۸۹ یاری بجویند (فعل امر باب «اِسْتِفْعَال» (عَوْنٌ، جمع مذکر مخاطب)
- ۹۰ یاری می‌جویم (فعل مضارع، متکلم مع الغیر باب «اِسْتِفْعَال»)
- ۹۱ یاری نجویند («لا»ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُسْتَعِينُوا) ← نهی)
- ۹۲ ارزان نخواهد شد (لَنْ + فعل مضارع (يُرَخَّصُ) ← مستقبل منفی)
- ۹۳ ارزان شده بود (كَانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (رَخَّصْتُ) ← ماضی بعید)
- ۹۴ تعمیر کردن (مصدر باب «تَفْعِيل»)
- ۹۵ تعمیر نکرد (تعمیر نکرده است) (لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (يُصَلِّحُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی))
- ۹۶ تعمیر می‌کردند (كَانُوا + فعل مضارع (يُصَلِّحُونَ) ← ماضی استمراری)
- ۹۷ نزدیک خواهد شد (سَ + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← مستقبل)
- ۹۸ نزدیک می‌شوند (فعل مضارع، جمع مذکر غایب، باب «تَفَعَّلَ»)
- ۹۹ نزدیک نخواهیم شد (لَنْ + فعل مضارع (نَتَقَرَّبُ) ← مستقبل منفی)
- ۱۰۰ نفرست («لا»ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُرْسَلُ) ← نهی)
- ۱۰۱ نفرستادند (نفرستاده‌اند) (لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (يُرْسَلُوا) ← ماضی منفی (ساده - نقلی))
- ۱۰۲ فرستاده است (فرستاد) (قَدْ + فعل ماضی (أُرْسِلَ) ← ماضی نقلی یا ساده)
- ۱۰۳ خودداری می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع (يَمْتَنِعُ) ← ماضی استمراری)
- ۱۰۴ خودداری کن (فعل امر باب «اِفْتِعَال»، مفرد مذکر مخاطب)
- ۱۰۵ آمرزیده نمی‌شود («لا»ی نفی + فعل مضارع (يُعْفَرُ) ← مضارع منفی مجهول)
- ۱۰۶ آمرزیده است (آمرزید) (قَدْ + فعل ماضی (عَفِرَ) ← ماضی نقلی یا ساده)
- ۱۰۷ به یاد نیاوردید (ما + فعل ماضی (تَذَكَّرْتُمْ) ← ماضی منفی)
- ۱۰۸ به یاد خواهیم آورد (سَ + فعل مضارع (تَتَذَكَّرُ) ← مستقبل)
- ۱۰۹ باید به یاد آورد (بِاَوْرَدَ) (لِ (امر) + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← باید + مضارع التزامی)
- ۱۱۰ کمک نخواهم کرد (لَنْ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل منفی)
- ۱۱۱ کمک نکردند (کمک نکرده‌اند) (لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (يُسَاعِدُوا) ← ماضی منفی (ساده - نقلی))
- ۱۱۲ به من (مرا) کمک کن (فعل امر (سَاعِدْ) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل))

- ۵۲ نگاه کنید (فعل امر از صیغه «تَنْظُرُونَ» است.)
- ۵۳ باید نگاه کند (لِ (امر) + فعل غایب (يَنْظُرُ) ← لِيَنْظُرَ (مضارع التزامی))
- ۵۴ نگاه کرده بودم (كُنْتُ + قَدْ + فعل ماضی (نَظَرْتُ) ← ماضی بعید)
- ۵۵ یاد گرفتیم (فعل ماضی ساده و صیغه متکلم مع الغیر است.)
- ۵۶ گاهی یاد می‌گیرد، شاید یاد بگیرد (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُ) ← فعل مضارع به همراه «قَدْ» یا قید «گاهی» یا «شاید» (به صورت التزامی) ترجمه می‌شود.)
- ۵۷ دانستی (فعل ماضی ساده)
- ۵۸ نمی‌دانید («لا»ی نفی + فعل مضارع (تَعْلَمُونَ) ← مضارع منفی)
- ۵۹ بازی خواهند کرد (سَ + فعل مضارع (يَلْعَبُ) ← مستقبل)
- ۶۰ نباید بازی کند («لا»ی نهی + فعل غایب (يَلْعَبُ) ← لا يَلْعَبُ ← نباید + مضارع التزامی)
- ۶۱ اجازه نده («لا»ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَسْمَحِي) ← نهی)
- ۶۲ اجازه نداد، اجازه نداده است (لَمْ + فعل مضارع (تَسْمَحُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی))
- ۶۳ نپریدم (ما + فعل ماضی (قَفَرْتُ) ← ماضی منفی)
- ۶۴ می‌پرند (فعل مضارع ساده اخباری)
- ۶۵ سخن بگویند (فعل امر از باب «تَفَعَّلَ» است.)
- ۶۶ که سخن بگویم (أَنْ + فعل مضارع (أَتَكَلِّمُ) ← أَنْ أَتَكَلِّمُ (مضارع التزامی)
- ۶۷ باید گوش فرا بدهد (لِ + فعل مضارع غایب (يَسْتَمِعُ) ← لِيَسْتَمِعْ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
- ۶۸ گوش فرا داده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اِسْتَمَعَ) ← ماضی بعید)
- ۶۹ منع نشد («ما مَنَعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
- ۷۰ منع نکند (لا + تَمْنَعُونَ ← لا تَمْنَعُوا (نهی))
- ۷۱ گزینه «۲»: «رُمِّلَ» جمع مکسر و مذکر عاقل است و فعل «حَضَرُوا» مناسب جای خالی است.
- ۷۲ گزینه «۳»: يَطْوُفُ «الحاج» مفرد مذکر است و جمله بر «غایب» دلالت دارد، بنابراین فعل در صیغه مفرد مذکر غایب مناسب جای خالی است. ← ترجمه عبارت: حج‌گزار هفت بار دور خانه خدا طواف می‌کند.
- ۷۳ سؤال می‌کنید (مضارع اخباری)
- ۷۴ سؤال شد («سُئِلَ» فعل ماضی مجهول است.)
- ۷۵ گاهی تلاش می‌کنند (شاید تلاش کنند) (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ))
- ۷۶ تلاش نکرد / تلاش نکرده است (لَمْ + تَجْتَهِدُ ← لَمْ تَجْتَهِدْ (ماضی منفی / ماضی نقلی منفی))
- ۷۷ گرامی بدارید (فعل امر از باب «اِفْعَال» است.)
- ۷۸ باید گرامی بداریم (لِ (امر) + فعل متکلم (نُكْرِمُ) ← لِنُكْرِمَ (مضارع التزامی)
- ۷۹ گزینه «۳»: «سَبَّابٌ» جمع مذکر عاقل است و فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد مذکر می‌آید.
- ۸۰ گزینه «۱»: تَوَكَّدُ (یا توجه به «الآثار» که بر جمع مکسر غیر عاقل دلالت دارد، فعل در صیغه مفرد مؤنث می‌آید.) ← ترجمه عبارت: آثار قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.